

پیرروشن ضمیر گوید: ای جوانمرد، هر که جلال حق بدانست و از صنع وی با وی نگر بست مقصدش درگاه بود و دست تضرعش از دو جهان کوتاه و پای عشقش همیشه در راه دلش در قبضه قدرت پادشاه بود! بر ظاهرش کسوت عبودیت، در باطنش حلیه اسرار ربوبیت! به روز در راز و به شب در ناز باشد!

اینکه شب و روز و خورشید و ماه را نشان قدرت خود خواند، نه آنرا گفت که تو صورت آنرا بینی و از آن درگذری، بلکه آنرا گفت تا تو در آن تفکر کنی و حقایق آن بازجویی و به رموز و اشارات آن گاه شوی و بدانی که شب خلوتگاه دوستان است و میعاد آشتی جویان، وقت نیاز مریدان، و هنگام ناز عاشقان! بنده باید که روز با خلق خدا در سعی بود و شب با حق در قدم صدق باشد، به روز راه جویید و به شب راز گوید! تا حق شب و روز را ادا کرده باشد، و از صورت به صفت و سیرت رسیده باشد.

... لا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ آیه. آدم در آن حال که به زلّت دوچار شد بسیار بگریست و به آخر سجده توبه آورد و توبه او در سجده مورد قبول یافت، بشکر این نعمت به سجده شتافت، اول سجده عذر بود دوم سجده شکر، چنانکه بندگانرا در نماز دو سجده است یکی عذر زلّتها خواستن و دیگری شکر نعمتها کردن. بزرگان گفته اند: این دو سجده که بنده در حال عبادت آرد، یکی حکایت حال آزی است که چون خداوند فرمود: **الْأَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟** همه (بلی!) گفتند و به سجده افتادند و سجده دیگر حکایت از حال آبدی است در وقت دیدار خداوند اندر بهشت، به بیان دیگری یک سجده در حال وجود است و دیگری در حال نبود.

۴۶- **مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا.** آیه. بنده مؤمن چون به وقت نماز و هنگام راز دو سجده بیارد، خود را از آن عزیزان شمارد، چون دین خداوند که سبب رستگاری و مایه آشنائی است بنای آن بردو چیز است، یکی نمایش از حق و دیگری روش از بنده، نمایش از حق آنست که نشانهای خود را در آفاق و انفس نمایاند، و روش از بنده آنست که هر کس کار نیک یا بد کند برای خود کرده است.

۵۳- **سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ.** آیه. نمایش آیات، هم در آفاق است و هم در انفس، نمایش در آفاق، نظر کردن در ملکوت آسمانها و زمین است و سیر در آفاق همانا اندیشه حوادث روزگار در زمین و اوضاع و احوال ملتها و دولتها و پادشاهان و پیروزیها و شکستها است و سیر در آسمانها از خورشیدها و ماهها و کهکشانها و بادها و باران و برق و توفان که همه و همه باعث عبرت و سبب حیرت فرزند آدم است!

نمایش در انفس نظر کردن در آفرینش خویش است که می فرماید: در خویشتن بنگرید و در نهاد خویش اندیشه کنید که خداوند چه دقایق حکمت و حقایق صنعت به قلم لطف بر لوح این نهاد ثبت کرده؟ و آثار تکریم بر او نهاده، سری که سر پرده خیر است بجمع حواس ساخته و آدمی به علم و عقل، قیمت گرفته چون کمال او به عقل است و جمال او به علم. پیشانی او چون تخته سیم آفرید و دو آبرو بر مثال دو کمان بر او ساخت. دو نقطه روشنائی در دو نقطه تاریکی و دیعت نهاد، هزاران گل سرخ از گلشن روی نمایان ساخت، ۳۲ دندان مانند در در صدف دهان نهان کرد، از آنجا که بدایت لب است تا آنجا که نهایت کلو است ۲۹ منزل آفرید و آنرا مخرج ۲۹ حرف گردانید. ازدل سلطانی به وجود آورد و از سینه او را میدانی ساخته، و دودست گیرا و دو پای روا آفریده!

این همه که خلقت است و جمال ظاهرا و برتر از آن کمال و جمال باطن است، پس در لطیفه های

ربّانی و عاطفه‌های سبجانی در نگر و آثار عنایت یزدانی را ببین که همه تعبیه در آن مشتی خالك است! که انواع کرامت بر آن نهاد و این همه عالم که آفرید به هیچ یک از آنها نظر محبت نکرد و به هیچ موجودی رسول نفرستاد و بهیچ مخلوقی پیغام نفرستاد اولی چون نوبت به آدمیان رسید، اسرار آنان را محل نظر خویش گردانید و پیغامبران به ایشان فرستاد و فرشتگان را رقیب آنان کرد، سوز عشق در دلها نهاد و هر چه از این تشریفات و تکریمات یافت همه از لطف و عنایت خداوند پاک است که به کرم خود عطا دهد نه به استحقاق! به جود خود هدیه دهد نه به سجود! به فضل خود نعمت دهد نه به فعل تو، به خدائی خود دهد نه به کد خدائی تو!

سوره ۴۲ - شوری - ۵۳ - آیه - مکی - جزو ۲۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان.

۱- حَمِّمٌ . حَامِيمٌ .

۲- عَسَقٌ . سوگند به حلم و مجد و علم و سنا و قدرت خداوند که این قرآن از او است (۱).

۳- كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . این سوره همچنین

(ای محمد که می شنوی و می بینی) به تو و بکسانی که پیش تو بوده اند پیغام می دهد و او خدای توانای راست دانش است.

۴- لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ . آنچه در آسمانها و زمین است،

از آن اوست و او برتر راست دانش و بزرگوار است.

۵- تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِنْ أَلَّ اللَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ .

شکندند از عظمت خداوند یا از بیخنان مشرکان) در حالیکه فرشتگان به ستایش مشغولند و برای مردم زمین از خداوند

آمرزش می خواهند و آگاه باشید که خدای یگانه؛ آمرزنده و مهربان است.

۶- وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ .

کسانی که جز خدای یگانه را خدایان گرفتند! خداوند نگاهبان کارها ن ایشان است و تو (ای محمد) برایشان کارساز و نگاهبان نیستی .

۷- وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ النِّجْمِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ .

هم چنین به تو پیغام کردیم تا مردم مکه را و آن که در دورو بر آن است از روز فراهم آوزدن خلق بیم دهی! و از روزی که شکستی در آن نیست بترسانی و آگاه کنی و بدانند که روز رستاخیز گروهی در بهشتند و گروهی در دوزخ!

۸- وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلْنَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ

مَالَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ . اگر خداوند می خواست همه مردم را یک گروه می آفرید، لیکن هر که را که خواهد

(۱) ریزهای اول سورها همه جا یک کلمه و یک آیه بشمار رفته جز در اینجا که حَمِّمٌ و عَسَقٌ از هم جدا

نوشته شده و دو آیه بشمار آمده و نوشته اند که (حَمِّمٌ) در ردیف دیگر (حَمِّمٌ) ها است و عَسَقٌ ریز عذاب واقع است که خداوند به آن سوگند یاد کرده .

در بخشایش خویش درمی آورد، و (بدانکه) ستم کاران ناگروندگان هیچ یاری و فریاد رسی ندارند.

۹- آمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. بلکه آنان هستند که فرود از خدای یگانه یارانی بجستند و خدایانی گرفتند، پس اوست که فریاد رس همه است و اوست که مرده را زنده می کند و اوست که بر هر چیزی قادر است.

۱۰- وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ. آنچه در آن اختلاف کنید، حکم آن با خداوند است، آن خدای یگانه که پروردگار من است و بر او توکل کردم و به او به دل و به کردار برمی گردم.

۱۱- فَلَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلْ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. کردگار آسمانها و زمین است که از خود شما جفتها برای شما آفرید و از چهار پایان هم جفتها آفرید، و شماره آنها را به زناشوی انبوه کرد، و مانند او هیچ چیز نیست و او است که شنوا و بینا است.

۱۲- لَهُ مُقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. کلیدهای آسمانها و زمین او است، روزی هر کس را که بخواهد می گستراند و از هر کس را که نخواهد تنگ می گیرد، و او به هر چیزی دانا است.

۱۳- شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَتِمُّوا الدِّينَ وَلَا تَتَّبِعُوا فِيهِ كِبْرًا عَلَيَّ الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ. خداوند برای شما شرع نهاد و راه نمود همان که به نوح سپارش کرد (و شریعت ساختیم) و از آنچه به تو پیغام کردیم، و آنچه که به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه کردیم که دین را بپای دارید و در آن گروه گروه پراکنده نشوید، ولی بر مشرکان آنچه را که تو آنها را به آن خواندی گران آمد! خداوند هر که را بخواهد برمیگزیند و هر کس که به او گراید راه نمائی می کند.

۱۴- وَمَا تَقْرَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِّبَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا مِنْهُ مَرِيِبٌ. و از هم جدا نشدند مگر پس از آنکه دانش و پیغام و آگاهی به آنها آمد، و از افزون جویی و بدنیتی و حسد میان خودشان بود، و اگر نه آنکه سخنی از خداوند از پیش بود که: تا مدت نامیده شده و معین، عذاب را به تاخیر می اندازد! هر آینه میان آنها در هنگام خود داوری می کرد، و آنان که بعد از جهودان و ترسایان که تورات و انجیل داشتند وارث قرآن شدند، در شک و تردید هستند.

۱۵- فَلْيَدْعُكُمْ بِمَا أَخْلَقْتُمْ بِهِ ذَلِيلًا بِمَا اتَّخَذَ آبَاؤُكُمْ أَوْلِيَاءَ لَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِّبَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا مِنْهُ مَرِيِبٌ. و از هم جدا نشدند مگر پس از آنکه دانش و پیغام و آگاهی به آنها آمد، و از افزون جویی و بدنیتی و حسد میان خودشان بود، و اگر نه آنکه سخنی از خداوند از پیش بود که: تا مدت نامیده شده و معین، عذاب را به تاخیر می اندازد! هر آینه میان آنها در هنگام خود داوری می کرد، و آنان که بعد از جهودان و ترسایان که تورات و انجیل داشتند وارث قرآن شدند، در شک و تردید هستند.

يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَالْيَمَّةَ الْمَتَّصِرَةَ خدای یگانه پروردگار ما و شما است، دین و کردار ما را، و دین و کردار شما
شما را است، میان ما و شما پیکاری نیست، خداوند فردا همه ما را با هم بیاورد و بازگشت همه بسوی او است:

۱۶- وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْهُ بَعْدَ مَا اسْتُجِيبَ لَهُمْ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ. آنان که در دین و پیغام خدا مُحَاجَّه می کنند و حجت می جویند پس از آنکه پاسخ شنیدند، دلیل ایشان نزد خداوند ناچیز است و نابر جای، و خشم خداوند بر ایشان است و آنانرا عذابی است سخت.

۱۷- اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ. خدای یگانه است که قرآن را به حق و به راستی فرستاد و ترازوی عدل را فرمان بداد، و تو چه دانی؟ شاید روز رستاخیز نزدیک باشد!

۱۸- يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهُمُ الْحَقُّ أَلا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ. کسانی می شتابند (به دیدن روز رستاخیز) که به آن نگروریده اند (و باطعن می گویند) ولی کسانی که ایمان (به روز قیامت) آورده اند از آن ترسانند و می دانند که آن راست است، آری آگاه باشید آنها که در کار رستاخیز شک دارند در گمراهی دوری هستند.

❁ تفسیر ادبی و عرفانی ❁

بِسْمِ اللَّهِ، نام خداوندی است که ذکر او آرایش گفتار است و مهیرو روشنائی اسرار، دپدار اونیزهت ابصار، و رضای او خلعت ابرار، تا توحید او نگوئی روی گفتار روشن نشود، تا رضای او نجوئی دل معنی شاد نگردد، تا کُلُّ شُكْرٍ اَوْ نُبُوِّ جَانٍ عقل ننازد. جلال خداوند از ادراك عقلها منزّه است، و جمال او از احاطه او هام مقدس، آب و خاك قدر عزت او چه داند؟ و خیر آدمی چون به کنه او رسد؟ عرش عظیم ذره ای در جنب قدرت او، وجود همه جهان و جهانیان قطره ای از دریای وجود او است. کمند جاذبه او جز دل سوختگانرا شکار نکند و تیر بالای او جز سینه آشنایان فگار نکند.

حم عشق، گفته اند حروف این دو کلمه اشاره به بلندی مقام مصطفی است: حاء اشاره به حوض کوثر، و (میم) به مملکت وسیع در قلمرو اسلام او (عین) به عزت موجود او (سین) به سناء مشهود او، و (قاف) به قیام محمود او، و همه آن حرفها اشاره به علو مرتبت و کمال کرامت او است که همه درخزانه غیب او و در دست روزگار او است که هم جواهر دولت دارد و هم حقوق جلال است، پس از بانصد و اند سال او (تاریخ تألیف تفسیر) امروزه خوشبختانه خورشید روز دولت شریعت او تابنده، و شمع شمایل شرع او فروزنده است.

۷- وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا. ای محمد، این قرآن را که بتو دادیم، منشور نبوت تو و حجت رسالت تو و معجز دعوت تو است، آنرا به تو وحی کردیم تا بر عالمیان خوئی و آنانرا از قهر و سیاست ما آگاه کنی، و از روز رستاخیز بترسانی آن روز که هر روحی با جسد خود شود و هر کس به سزای عمل خود رسد.

۱۱- فَاطِرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ. آیه. آفریدگار آسمانها و زمین است، و در آفرینش یکتا و یگانه

است، عرش در برابر قدرتِ وی چون ذره‌ای! و ذره در برابر حکمت او چون عرشی! اگر به عالم قدرت بنگری، عرش بنظر ذره‌ای است و اگر به عالم حکمت بنگری، ذره بنظر تو عرش است.

نیز فرمود: شمارا که آفریدم نه بدان سبب بود که به شما سود جویم، یا جلال عزت ما را از وجود شما بیوندی می‌باید؟ - نه، بلکه بدان آفریدم تا شما بر من سود جوئید و لذت خود از فضل ما بردارید. که صفت فضل به طلب مطیعان برخاست و صفت قهر به طلب عاصیان برخاست و صفت جلال و جمال به طلب عاشقان برخاست. لطیفه: خداوند بی‌همتا، لُطْفی و قهری داشت بر کمال، جلال و جمالی داشت بی‌زوال، خواست که این گنجهارا نثار کند، یکی را در باغ فضل، تاج لطف بر سر نهاد، یکی را در زندان عدل داغ قهر بر جگر نهاد، یکی را در آتش جلال بگدازد، و یکی را در روشنائی جمال بنوازد، شمی از دعوت برافروخت که هزاران بیچاره غمخوار، خود را بر آن شمع زدند و سوختند و ذره‌ای در این شمع نه نقصان پدید آمد نه زیادت!

غمخواره آنم که غم من نخورد
فرمان بر آنم که دل من بیرد
من جو رو جفای او به صد جان بخرم
او مهر و فای من به یک جو نخرد

... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. خداوندی که هیچ چیز و هیچ کس او را مانند نیست، و او را همتا و هم صفت و هم سر نه، در صفات، در علم، در نشان، در برهان، چنانچه او کس نیست، هر کس عقیده باطنی او این نیست، او را در دین حقیقتی نیست. این آیه، گمراهی دو گروه را درست روشن کند، گروهی که گفتند خدا دارای صفت نیست و گروهی که گفتند برای خدا ماندگی هست! زیرا بی‌صفتی نیستی است، و خداوند هست، و ماندگی از انبازی است، و خداوند از انباز پاك است، او که ماندگی روا دارد از اسلام خارج است و آنکه بی‌صفت کند کافر است.

او سمیع و بصیر است: خدای را صفت به سزاواری او است و خلق از آن صفات دورند، و مخلوق را صفت به سزاواری او است و خالق از آن صفت پاك است، مخلوق موجود است به ایجاد خداوند، و خداوند به قیام خویش و به ازلیت و هستی و بقاء خویش وجود دارد، ولی مخلوق به نفَس و غذا زنده است. و خداوند به بقاء خویش و به ابدیت خویش همیشه هست، بدون کی؟ و بی‌چند؟ و بی‌چون؟ مخلوق به آلت و کوشش و تدبیر صانع است و خالق به قدرت و حکمت و بی‌آلت و بی‌حیلت و بی‌علت صانع است، هم چنین شنوائی و بینائی مخلوق به گوش و چشم است لیکن شنوائی و بینائی خداوند به اراده او، به ذات او، به هستی بی‌آلت و بی‌علت او است. هر چه خواهد، چنانکه خواهد، هر گاه که خواهد، همه او را است.

تفسیر لفظی

۱۹- اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ. خداوند به بندگان خویش مهربان است و هر کس را که خواهد روزی می‌دهد و او نیرومند و بی‌همتا است.
۲۰- مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ. هر که تخم پراکنی آخرت خواهد (که تخم پراکند و دانه بردارد) ما کشت او را زیاد می‌کنیم و کسی که کشت این جهان را بخواد و برای پاداش این جهان کوشد، ما به او خواهیم

داد ، و او را در آن جهان بهره‌ای نباشد .

۲۱- آم لَهْمُ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهْمُ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . آیا آنها با خدا شریکهای هستند که در دین راهی نهند . راهی که به دستور خداوند نبوده؟ و اگر سخن راست و درست خداوند در (تأخیر عذاب تا قیامت) نبود ، کار ایشان تمام و داوری شده بودند ، و ستم کارانرا عذاب در دناک است .

۲۲- تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُمْ وَقِيعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ . ستم کاران را بینی ترسان و هراسان از کار بدی که کرده‌اند ، و جزای آن کارها را خواهند دید ، و کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند ، آنان در مرغزارهای بهشت‌ها هستند و ایشانرا است نزد خداوند آنچه که بخواهند ، این است فضیلت بزرگ!

۲۳- ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ . آن است آنچه که خداوند بندگان خود را بشارت می‌دهد ، آن بندگان که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند ، بگو من بر این پیغام رساندن از شما مزدی نمی‌خواهم جز دوست داشتن هر کس که به خدا نزدیک است (یا با من قرابت دارد) و هر کس یک نیک کنی کند ، بر نیکویی آن می‌افزایم که خداوند آمرزنده و سپاس پذیر است .

۲۴- آم يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَيَّ اللهُ كَذِبًا فَإِنْ يَشَاءُ اللهُ يَخْتِمْ عَلَيَّ قَلْبِي كَذِبٌ وَيَسْمَعُ اللهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ . یا می‌گویند (محمد) دروغی بر خدا ساخته اگر خدا بخواهد مهربان بر دل تو گذارد (و پیغام خویش ببرد) و خود بخوبی بشنود ، باطل و کژی را از دلها بسترده و راستی پدید آرد و باز نماید که آنها راست است از آنکه او هر چه در دلها است دانا است .

۲۵- وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا يَفْعَلُونَ . او است که توبه بندگان را می‌پذیرد و بدیهای آنها را عفو می‌کند (فراموش می‌گذارد) و می‌داند آنچه که بندگان (پس از توبه از گناه) می‌کنند .

۲۶- وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ . خداوند اجابت می‌کند ، پرشش کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند و از فضل خود بر آنها می‌افزاید ، و کافران راست عذاب سخت .

۲۷- وَلَوْ بَسَطَ اللهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ . اگر خداوند روزی بندگان را فراخ بگستراند ، آنها نافرمانی کنند و قزونی جویند ، لیکن به اندازه‌ای که می‌خواهد (و مصلحت می‌داند) روزی می‌فرستد چون او به بندگان آگاه و بینا است .

۲۸- وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْمَغِيثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَسَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ . او است که باران فرو می‌فرستد پس از آنکه مردم نا امید شدند و رحمت خود را می‌پراکند ، که او است خداوند یاری دهنده ستوده .

۲۹- وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ. واز نشانه‌های (توانائی خداوند) آفرینش آسمانها و زمین و آنچه که جنبنده در آنها است که برفراهم آوردن آنها هر گاه بخواهد توانا است.

۳۰- وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ^(۱). هر چه به شما از مصیبت (رسیدنی) برسد، به سبب کار کرد دستهای شما است و خداوند از بسیاری از آنها را فرومی گذارد.

۳۱- وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ. شما نه آنید که او را عاجز آرید (و از خدا پیش شوید) و شما را فرود از خدا (جز خدا) یاری ده و فریاد رسی نیست.

۳۲- وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ. واز نشانه‌های توانائی خداوند، کشتی‌های (چون کوه) روان در دریا است.

۳۳- إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِ إِنْ فِي ذَلِكِ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ. اگر خداوند بخواهد باد آرام کند تا کشتی بی‌آرامد، پس کشتی بر پشت آب از رفتن باز ایستد! همانا در آن آیت نشانه‌ها (و قدرت نمائیه‌ها) خداوند برای هر مردم شکیبیا و سپاس داری است.

۳۴- أَوَلَيْدَهُنَّ بِمَا كَسَبَتْ وَأَيُّوعَفُوا عَنْ كَثِيرٍ. یا آنکه آن کشتی‌ها را غرق و تباہ می‌کند به سبب بدیها که مردم کرده‌اند و (یا) بسیاری را از غرق شدن عفو می‌کند و از تباہی فرا می‌سازد!

۳۵- وَيَعْلَمُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَحْضِيصٍ. و تا بدانند آنان که در نشانه‌ها و سخنان ما مجادله می‌کنند و در آنها می‌پیچند که آنرا از عذاب باز پس نشستن نیست.

تفسیر ادبی و عرفانی

۱۹- اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ. خداوند به بندگان خود لطف دارد، رفیق و مهربان است، از لطف اوست که تو توفیق پرستش یافتی، توفیق داد تا از او خواستی، دل می‌دند نور کرد تا نادیده دوست داشتی و نادریافته بشناختی تا لطف وی بود که از تو طاعت‌های موقت خواست و ثواب‌های مؤبده بداد، لطف او بود که نعمت به قدر خود داد و شکر از بنده به قدر بنده خواست، لطف او بود که بنده را توفیق خدمت داد، آنگاه خود هم دست رحمت و ستایش بر سر نهاد. لطف او بود که بنده را به وقت گناه، نادان خواند تا عفو کند و بوقت شهادت، دانا خواند تا گواهی او را بپذیرد، به وقت تقصیر، ضعیف خواند تا تقصیر بنده را محو کند و او از سرسوز و نیاز در آن حضرت راز گوید:

خدایا تو ما را ضعیف خواندی، از ضعیف جز خطا چه آید؟ ما را جاهل خواندی، از جاهل جز جفا چه آید؟ تو خداوند کریمی، از کریم جز عطا چه سزد؟ خداوند ادا، تو لطیفی، از لطیف جز وفا چه خیزد؟ سزاوار بنده

(۱) در تفسیر این آیت مفسرین گفته‌اند: هرغم و هم و دردی که به آدمی میرسد نتیجه کار و کردار خود اوست،

و در حقیقت همه آنها کیفر کارهای بد اوست، و از حضرت علی امیر المؤمنین (ع) روایت کرده‌اند که پیغمبر فرمود: یا علی هر چه بشما مردم می‌رسد از کیفر یا ناخوشی یا بلا، همه نتیجه کار خودتان است چون خداوند کیفر دیگر در قیاست نمی‌دهد بلکه بسیاری از آنها را هم می‌بخشد. پس سزای هر کاری در همین دنیا است جز آنچه خداوند عفو کند و این دلیل بر اختیار است نه جبر!

آنست که چون لطف و کرم خداوند دید، دامن از دو جهان در چیتند، بساط هوس در نوردد، کمر بندگی در میان بندد، بر درگاه خدمت و حرمت ملازمت گیرد، دیده از اغیار بردوزد، خرم طمع به خلاق بسوزد، بادی بی غبار و سینه ای بی بار منتظر الطاف خداوندی بنشیند، که حق به لطف خود کاری را می سازد و دل در مهد عهد امی نوازد، زیرا خداوند را هم لطف است هم قهر، به لطف او کعبه و مسجدها بنا کنند، و به قهر او بت کده ها و دیرها بر آورند، توفیق را فرستاد تا طلعه لشکر لطف باشد، و خذلان را فرستاد تا مقدمه لشکر عدل باشد.

لطیفه: بیچاره آدمی، که او را چون گذر بر لشکر لطف و مهر افتند نداند که طلعه آن لشکر، او را به ناز در برگرد و نداند که طلعه لشکر عدل او را خوار و زار به پای فرو گیرد!

۲۵- وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ مِنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ . آیه . ای بسا پیر مناجاتی که عمری بر ظاهر اسلام به سر آورده ، شهاگر بسته و روزها تسبیح در دست گرفته و سر انجام امیدی در کار خود بسته ، ولی به عاقبت چون رشته عمرش باریک شود ، روز امیدش تاریک شود!

چنانکه مؤذنی چندین سال بانگ نماز گفت ، روزی بومستاره رفت ، دیده او به زنی ترسا افتاد ، در کار آن دل را باخت ، چون از مناره فرود آمد هر چند با خویشتن بر آویخت از عهده بر نیامد (مغلوب نفس امّاره شد) به در سرای آن زن رفت ! قصه باوی بگفت ، زن گفت : اگر دعوی عشق راست باشد ، شرط موافقت آنست که زنار بر میان بایند بست ، آن بدبخت به طمع آن زن ، و به پیروی از هوی و هوس ، زنار ترسائی بر بست ! و بر زبان حال می گفت :

بیم است که از عشق تو رسوا گردم دفتر بنهم گرد چلیپا گردم
گر تو ز پی رهی مسلمان نشوی من خود ز پی عشق تو ترسا گردم

آن بیچاره خمر خورد و مست گشت و قصد خانه آن کرد ، زن بگریخت و در خانه شد ، آن بدبخت بر بام رفت تا خود را در آن خانه افکند ، قضا را خذلان ازلی تاختن آورد و از بام به در افتاد و در ترسائی هلاک شد ! بیچاره چندین سال مؤذنی کرده و شرایع اسلام ورزیده و عاقبت به ترسائی بر مردا و بمقصود نرسید و ندانست که اگر توبه کند خداوند توبه او را پذیرد و ناله صلح بجویان را نیوشد و عیب عذر خواهان را پوشد .

اگر بنده ای صد سال گناه کند آنگاه گوید : توبه کردم ، پشیمانم ، خداوند توبه او را قبول کند و گوید : کار تو معصیت ، و صفت من مغفرت ، تو کار خود را رها نکنی ! من صفت خود را چگونه رها کنم ! بنده من ، تا من توبه ندادم تو توبه نکردی ، تا من نخواندم نیامدی ، توبه دادن از من ، و توبه پذیرفتن هم بر من ! توبه کردن تو به ندم ، توبه دادن من به ، حلم و کرم ، توبه کردن تو به دعا ، توبه دادن من به عطا ، توبه کردن تو به سوال ، توبه دادن من به فوال ، توبه کردن تو به انابت ، توبه دادن من به اجابت است .

۲۶- وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ . آیه . بعضی مفسران این زیادتی فضل خداوند بر بندگان را دیدار او در قیامت می دانند و البته ، بنده که به دیدار حق رسد به فضل الهی است نه به طاعت خود ! فردای نیامت چون خداوند دیدار خود را به دوستان کرامت فرماید ، به تقاضای جمال خود کند نه به تقاضای بندگان ! که بشر را زهره آن نیست که به این تقاضا پیدا آید ، از آنجا که عزت غیرت از دیده اغیار است ، نقاب بر نقاب اقتضا دارد ، و از آنجا که کمال جمال است ، تجلی بر تجلی اقتضا دارد :

هر چند نهفته است به پرده در، هموار نور دو رخس در همه آفاق عیان است
 بو بکر شبلی وقتی در غلبه وجد خویش گفت: بار خدایا، فردا همه را نابینا برانگیز تا جز من کسی تو را
 نبیند! باز وقتی دیگر که در حال فقر بود گفت: بار خدایا، شبلی را نابینا برانگیز، دریغ بود که چون من تو را
 بیند! آن سخن اول غیرت بر جمال از دیده اغیار بود! و آن سخن دوم، غیرت بر جمال، از دیده خود او بود!
 و البته در راه جوان مردان، این قدم از آن قدم کاملتر و تمام تراست!

از رشک تو بر کنم دل و دیده خویش تا اینت نبیند و نه آن داند بیش

لطیفه: چون اهل بهشت در بهشت فرود آیند و در جاهای پاکیزه خود قرار گیرند، ندا آید که ای
 دوستان حق، شما را به نزد خداوند وعده ایست، حاضر آئید که خداوند آن وعده را به فضل خود تحقق می بخشد
 آنان گویند: آن چه وعده ایست؟ و نه آن باشد که بهشتیان خود ندانند که آن وعده چیست؟ بلکه خود را به
 نادانی آورند! و آن چنین است که: شافعی را گفتند عاقل کیست؟ گفت دانائی که خود را بنادانی آورد! در آن
 حال خداوند حجاب را از دیده ها برگیرد تا به خداوند خویش درنگرند!

پیر طریقت گفت: چون آخر این کار (دیدن حق) به اول آن نیک ماند، راه به دوست، حلقه ایست که
 از او در آید و هم به او باز گردد! اول این کارها به بهار ماند و به شکوفه ها، آدنی در آن حال خوش بود و تازه
 و پر روح باشد، پس از آن فرازا و نشیب ها بیند تا کامیابا و تفرقه ها پیش آید، که در بندگی هم جمع است و هم
 تفرقت! و در مقامات هم نور است و هم ظلمت، بنده در تاریکی تفرقت چندان پوشش بیند که گوید: آه که
 میارزم از آنکه هیچ نیرزم، چه سازم جز آنکه می سوزم، تا از این افتادگی برخیزم آنگاه چه باشد؟

۲۸ - وَ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ سَمَاءٍ لَكُمْ يَسْقِي بِهِ الْبُلْبُلَ وَالشَّجَرِ وَالْأَنْبِيَاءُ بِرَحْمَتِهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . آیه . ابر وجود، باران وجود ریزد، ابر
 فضل الاهی، در اقبال فشانند، گل وصال در باغ نوال شکفته گردد، آخر کار به اول باز شود، بنده از سرنواز
 و دلال گوید:

بر خبر همی رفتیم جو یای یقین ترسم سایه بود و امید قرین

مقصود زمن نهان و من کوشنده دین ناسما برق تجلی تاوت از کمین

از ظن چنان بیند و از دوست چنین!

تفسیر لفظی

۳۶ - فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّاعٌ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّآبْتَقَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ . هر چه بشما دادند، همه در زندگانی این جهانی ناپاینده است و آنچه نزد
 خداوند است بهتر و برای کسانی که ایمان آوردند و کار خود را به خدا واگذارند پاینده تراست .

۳۷ - وَالَّذِينَ يَحْتَسِبُونَ كِبَالًا لِلْآلِهَةِ وَالنَّفْسِ وَالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ . و کسانی که
 از گناهان بزرگ و از کارهای زشت دوری می کنند و چون درخشم شوند، آنها را می آمرزند (بر دباری می کنند) .

۳۸- وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ . و آنان که خداوند خویش را (در یگانگی او) پاسخ دادند و نماز بپای می‌دارند ، و کارهای آنها با مشورتِ یکدیگر است ، و کسانی که از آنچه به آنها دادیم هزینه و خرج می‌کنند .

۳۹- وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ . و کسانی که چون افزون جویی (ستمگری) به آنها رسد ، از افزون جوی ، کین می‌کشند و داد می‌ستانند .

۴۰- وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ . کیفر بدی را بدی مانند آنست و هر کس فروگذارد و آشتی کند ، مزد او باخدای یگانه است ، چه که خداوند ستم کاران را دوست ندارد .

۴۱- وَلَمَنْ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ . و هر کس از ستم کار خود پس از ستم کاری او کین کشید (تلافی کرد) بر آنان نکوهش راهی نیست .

۴۲- إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . همانا ، راه (بدنای و نکوهش) بر کسانی است که بر مردمان ستم می‌کنند ، و در زمین به ناحق افزون جویی می‌کنند ، ایشانرا عذابی دردناک است ؛

۴۳- وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ الْأُمُورِ . و هر کس شکیبائی کند و بیامرزد و عفو کند ، این کار از کارهای جید و قصدهای استوار و درست است .

۴۴- وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَّالِيٍّ مِّنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ . هر کس خدا او را بی‌راه کند ، او را یاری دهی نیست (پس از بی‌راه کردن) و کافران را بینی که چون عذاب بینند می‌گویند : آیا برای بازگشتن به آن جهان (دنیا) راهی هست ؟

۴۵- وَتَرِيَهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ . و کافران را بینی که چون آتش به آنها بنمایانند ، از خواری فرو مانده و از دست افتاده ، از چشم پنهان (به بعضی می‌نگرند) (و از ترس باچشم آشکار ننگرند) .

وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ . گروندگان (چون روز قیامت ، حال کافران را بینند) گویند : زیان کاران کسانی هستند که از خویشتن و کسان خویش درماندند و آنانرا از دست دادند ، آگاه باشید که ستم کاران در عذاب پاینده و همیشگی هستند ؛

۴۶- وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ . آنها را هیچ یاری دهی نباشد که آنها را فرود از خداوند یاری دهد ، و هر کس را که خدا گمراه کند او را هیچ راهی نیست .

۴۷- اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُم مِّنْ مَّكْرٍ يَوْمَئِذٍ وَ مَا لَكُم مِّنْ تَكْبِيرٍ . خدای خویش را پاسخ گوئید (و بگروید) پیش از آنکه روزی آید که جز خدای ، هیچ باز پس بردنی نیست و شمارا آن روز پناه گاهی نه او شمارا نمیرسد که گوئید این کار نشاید و نباید

۴۸- فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا أَنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا
الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ مُسِيئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ.
(ای محمد) اگر از تو اعراض و دوری کردند (و تو را نپذیرفتند غم مخور) ما تو را نفرستادیم که نگهبان آنها
باشی، بر تو جز رساندن پیغام چیزی نیست، و ما هر کس از آدمی را از خویشتن بخشایشی بچشانیم شاد میشود و
چون بدی به او رسد که به کردار دودست خود او و گناهان او است، در آن حال آدمی ناسپاس است!

۴۹- اللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يُهَبِّبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنثَاءً وَيَهَبُّ
لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَوْرَ. پادشاهی آسمانها و زمین باخدای یگانه است هر چه را بخواهد می آفریند، هر کسی که
بخواهد دختر (مادینه) می بخشد و به هر کس که بخواهد پسر (زرینه) می بخشد.

۵۰- أُوْزِوْجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثَاءً وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيْمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيْرٌ. یا به آنها پسر
و دختر بهم آمیخته می بخشد و هر کس را که بخواهد (مصاحبت ببندد) نازای می سازد (سترون) که خدا دانا و توانا
است (داند که چه باید کرد و چه باید داد).

۵۱- وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُوْلًا
فِيُوحِيْ بِآيَاتِنَا لِمَنْ يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ. (پیش از تو ای محمد) هرگز نبوده است آدمی که خدا
با او سخن گوید، جز به نمودن در خواب یا افکندن در دل یا سخن گفتن از پس پرده، یا آنکه پیمبری فرستد تا به
دستور او و وحی او پیغام فرستد، که خداوند دانائی زبیر خلاق و راست کار است.

۵۲- وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ
وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْتَدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيْمٍ.
و هم چنین به تو قرآن فرستادیم از فرمان و سخن ما، در حالیکه تو نمی دانستی کتاب چیست و ایمان چیست؟ لکن ما
آنرا نوری ساختیم که به روشنائی آن هر کس را بخواهیم راه نمائی می کنیم و اینکه تو آنها را به راه راست رهبری می کنی.
۵۳- صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِلَى اللَّهِ تَصِيْرُ الْأُمُورِ.
همان راه خدائی که آنچه در آسمانها و در زمین است از آن اوست، آنگاه باش که بازگشت همه کارها بسوی
خدای یگانه است:

تفسیر ادبی و عرفانی

۳۶- فَمَلَأُوتِيْمٌ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ النَّحِيْوَةِ الدُّنْيَا. آیه. مفهوم آیه این است که ایمان راست
و توکلی درست کسی راست که در همه حال اعتماد به ضمانت خدا کند و نظام کار خود و راستی حال خویش را
از عنایت و رعایت خدا جوید، نه از دنیا و متاع دنیا که این دنیا پل است گذشتنی و بساطی است در نوشتنی!

۱- چنانکه به لوط پسرنداد و به ابراهیم دختر نداد و به محمد مصطفی هم پسر داد هم دختر و تنها یک
دختر از او باقی ماند و یحیی و عیسی را عقیم خواست!

و منزلی که بناچار و ناگام می باید گذاشت ، و عمر عزیز که سرمایه زندگی است بی مراد درمی باید باخت ، پس سزاوار بنده آنست که از آلائش دنیا کرانه گیرد و روی به آرایش دین نهد ، تا فردا داغِ خسارت به رخسار خود نبیند و در گودال حیرمان و خُسُران نیفتد !

... وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى . آیه . در خبر است که هر کس هم خود را در دنیا ، یکی قرار دهد خداوند او را از دیگر همها کفایت کند ولی اگر هموم زیاد داشته باشد ، خداوند پروا ندارد که در کدام هم او را بهلاکت رساند !

دنیا همه پراکندگی است و گسستگی ، بایسته ها گوناگون و اندیشه ها رنگارنگ . هر که این پراکندگی و این بایسته های بیپوده را از دل بیرون کند و با دلی صافی و همتی عالی ، روی به قبله حق نهد و جز درگاه او پناه خود نسازد ، خداوند همه اندوه و پراکندگی کند ، و از هر چه می ترسد او را ایمن گرداند و راهش را به خود نزدیک کند ، که آنچه نزد او است بهتر و پاینده تر است .

ای درویش ، بدان که اول این کار (ترک دنیا کردن) تلخ است و آخر آن نوش ، آغاز این کار دوری است و انجام آن نزدیکی است ! اینک مثال روشن :

نوشته اند شبلی^(۱) پیش از آنکه قدم در کوی طریقت نهاد ، میرسیه پوشان (در جرگه عیاران) بود ! و عادت داشت که دزدیده به مجلس جنید رفتی - ای من غلام آنکه در این کوی سری دارد - .

روزی بر زبان جنید برفت که : اگر همه بت پرستان و ناکسان جهان را به فردوس اعلی فرود آورند ، هنوز خداوند حق کرم خود را نگزارده است ! شبلی چون این سخن بشنید از جای برجست ! و نعره زنان و جامه دران گفت : من میرسیه پوشان و از ناکسی نحویش خروشان ، چه گوئی ای شیخ ! آیا خداوند مرا خواهد پذیرفت ؟ جنید گفت : خداوند به رسالت موسی و هارون چندین سال فرعون ملعون را می خواند تا بپذیرد ! چگونه سوخته ای موحد که بپای خود آید و در او زارد ، نپذیرد ؟

نوشته اند از آن پس شبلی هر چه از مال و ضمیاع و عیقار داشت همه را پاك (بخشید) در باخت ! و مجرد بایستاد ، و از شیخ مرشد خود (جنید) پرسید مرا چه باید کرد؟ گفت : تو را در بازار باید شد ، و در یوزه باید کرد ! شبلی هم چنان کرد و آن چنان گشت که کسی چیزی به او نداد ! پس جنید چند تازیانه به او داد و گفت در این سردابه شو و دل را با اندوه و درد دین پرداز و چشم را به آب حسرت و ندامت سپار ، و هر وقت که جز خدای در خاطرت بگذرد ، به این تازیانه الدامهای خود را در هم شکن !

شبلی ، سه سال در آن سردابه ، آب حسرت از دیدگان همی ریخت و بر روزگار گذشته دریغ و تحسّر همی خورد و زینهار همی خواست ! بعد از سه سال ، حالت مستی در او پدید آمد و همچون مستان والیه و سرگردان از سردابه بیرون آمد ، کاردی به دست گرفت و در بغداد همی گشت و همی گفت : به جلالِ قدرِ حق ، که هر کس نام دوست برد ، با این کارد سرش از تن جدا کنم ! این خبر به جنید رسید گفت : او را شربتی داده اند و مست گشته ،

۱- شبلی مرید جنید با بایزید هم ردیف است به فتوای سعدی که گفته :

همه شبلی و بایزید شوند

حاکمان در زمان معزولی

از مستی و بی خودی این سخن می گوید ، و چون باخود آمد آرام شود ! یک سال در آن مقامش بداشتند ، چون از آن مقام درگذشت . دامن خویش پرازشکر کرد و به گیرد محله ها می گشت و می گفت : هر که بگوید الله ، دهانش پراز شکر کنم !

پس از آن عشق شبلی روی در خرابی نهاد و پیوسته در همه اوقات همی گفت : الله الله ، تا آنکه روزی جنید او را گفت : ای شبلی ، اگر دوست غائب است ، این غیبت کردن تو چرا است ؟ و اگر دوست حاضر است ، این گستاخی و بی ادبی از کجا است ؟ پس جنید بفرمود تا او را به گرمابه بردند و موی چند ساله او را از سر او فرو کردند (تراشیدند) آنگاه دست او را گرفت و به مسجد برد ، در آنجا ۸۲ تن از جوان مردان طریقت و پادشاهان حقیقت حاضر بودند ، جنید آنانرا مخاطب ساخته گفت : ای مشایخ و ای یاران ، هر چه پیر ما سستی سستی از ریاضت و مجاهدت از ما بدید ما از این جوان (شبلی) بدیدیم ! اگر اجازت دهید تا جامه بگرداند (لباس تغییر دهد) باشد که برکات این لباس او را بر استقامت دین بدارد ، و اگر حق این لباس فرو نهد (ادا نکند) خود لباس از وی داد خویش بستاند !

آنگاه جنید برخاست و مرقع از سر خود کشید و در گردن شبلی افکند ، و گفت : ای جوان مردان ، گوهر وصال خداوند نه چیزی است که به دست هر دون همی رسد ، درمی است که جز در صندوق صدق صدیقان نیابد ، عیبی است که جز در باغ راز و نیاز دوستان نیبند ، کسی را که این دولت در راه باشد ، اگر به هزار کوی فرو شود ، آخر هر کوی به خود بر بسته بیند ! تا قبله وی یکی گردد و مقصد او یکی شود ، یک دل و یک همت باشد ، کار از یک جا و حکم از یک درگاه بیند ! که فرمود : **أَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَصِيرُ الْأُمُورُ** .

سوره ۴۳ - زخرف - ۸۹ - آیه - مکی - جزو ۲۵

تفسیر لفظی

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان :
- ۱- حَمْدٌ . به حلم من و به مجد من (سوگند خداوند) .
 - ۲- وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ . و به این کتاب روشن (قرآن) سوگند .
 - ۳- إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ . ما قرآن را عربی کردیم تا مگر شما که عرب هستید دریابید .
 - ۴- وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ . و این قرآن در لوح محفوظ (مهبته کتابها) نزد خود ما ، بلند قدر و راست دانش است .
 - ۵- أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ . آیا ما این سخن و این پیغام را از شما بر گردانیم که چون شما گروهی اسراف کار و گران کار هستید ؟
 - ۶- وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ . و چه بسا ما پیغام برانی در پیشینیان و گذشتگان فرستادیم .
 - ۷- وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيِّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ . و هیچ پیغمبری به ایشان نیامد مگر آنکه

او را استهزاء (افسوس) می کردند ا

۸- فَأَمْ هَلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَ مِصْطَبًا مِثْلُ الْآوَالِينَ . ما نیرومند تر و زورمند تر آنها را هلاک کردیم و بر پیشینیان نیز این کیفرها گذشت که به آن مثل میزنند .

۹- وَالَّذِينَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ . اگر از ایشان پرسی که آسمانها و زمین را کی آفریده ؟ گویند توانای دانا آنها را آفریده ا

۱۰- الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ جَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ . آن خدائی که زمین را آرامگاه شما کرد و در آن راهها ساخت تا مگر شما راه برید .

۱۱- وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ . و آن خدائی که آب از آسمان فرو فرستاد به اندازه ، تا زنده گردانیدیم زمین مرده را ا و هم چنان شما را از گور بیرون خواهند آورد (و زنده خواهید شد) .

۱۲- وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْهُنَّ الْفُلُكَ وَالْأَنْعَامَ مَا تَرَ كَيْدُونَ . و آن خدائی که همه جفتها را آفرید و کشتیها و چهارپایان برای شما آفرید تا بر آنها نشیند (سوار شوید) .

۱۳- لِيَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذَكَّرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ . تا بر پشت آنها بنشینید و پس آنگاه نعمت خدای را به یاد آرید چون بر ستوران و کشتی راست نشیند . وَ تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ . و بگوئید پاک و بی عیب است خدائی که این ستوران (و کشتی) را زیر دست ما نهاد و ما بر آن برمی نیامدی و بر نتوانستی ا

۱۴- وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ . و ما (با این نعمت) بسوی پروردگار خویش باز می گردیم .

۱۵- وَ جَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنْ الْأَنْبِيَاءَ لَكَافُرُونَ مُبِينٌ . به خداوند بهره ای از بندگانش دادند (که او را فرزند دادند) ، همانا ، انسان ناسپاسی است آشکارا و پیدا ا

۱۶- أَمْ اتَّخَذَ مِنْهَا بَعْضًا بَنَاتٍ وَ أَصْفِيكُمْ بِالْبَنِينَ . آیا از آنچه خود آفرید ، دختران گرفت و برای خود مادینه برگزید و شما را پسران برگزید ا

۱۷- وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ . و چون به یکی از ایشان به آنچه خدا را به آن صفت خواند (یعنی دختر) ، بشارت داده میشد ، روی اوسپناه می گشت و (از خشم) آندوه گین می شد ا

۱۸- أَوْ مَنْ يَبْشُرُ فِي الْعَالَمِيَّةِ وَ هُوَ فِي الْخِيصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ . آیا کسی که در زیور بر آید و به آن ببالد و در داوری هم بی زبان و بی سخن باشد ؟ (مانند کسی است که در داوری نیک آید و خصومت را به سر برآرد) (۱)

۱۹- وَ جَعَلُوا الشَّمْسَ كَبَّةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنْ لَأَنْتُمْ إِذْ خَلَقْتَهُمْ سَمَكْتَبٌ شَهَادَتُهُمْ وَيَسْتَنْبُونَ . و فرشتگانرا که بندگان خدایند مادینه گرفتند ا آیا آنجا بودند که آنها را آفریدند ؟

۱- مقصود مقایسه زن با مرد در زیور بالیدن زن و دشمن کوییدن مرد است .

آری، گواهی آنها را بر ما می نویسند و فردا از ایشان خواهند پرسید :

۲۰- وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ . وَكَفَنَدُ : اگر خدا نمی خواست ما فرشتگان را نمی پرستیدیم . مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ . آنها را به این که می گویند دانش نیست و نیستند جز دروغ گوا

۲۱- آم آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ . یا آنکه پیش از قرآن به آنها کتابی فرستادیم که به آن تَمَسَّكَ جَسْتَنَد و دست زدند ا

۲۲- بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ . گفتند: ما پدران خویش را بر این کیش یافتیم و ما بر پی های ایشان راه می بریم !

۲۳- وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ . وهم چنان ، ما نفرستادیم پیش از تو (ای محمد) در هیچ شهری آگاه کننده ای ، جز آنکه جهان داران و افزون کاران آنها می گفتند: ما پدران خود را بر این کیش یافتیم و ما به آنها اقتدا می کنیم (پس رو آنها هستیم) .

۲۴- قَالَ أَوْلَٰئِكَ كُفْرٌ بِآيَاتِنَا وَإِنَّا لَمُرْسِلِينَ . بیه کافرُونَ . بگو (ای محمد) آیا هر چند که آنچه من به شما آوردم راست تر و راه نما تر باشد از آنچه پدرانتان یافتند ؟ باز آنها گفتند : ما به آنچه شما را به آن فرستادند ناگرونده هستیم ا

۲۵- فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْفِرِينَ . پس ما از آنها کین (انتقام) کشیدیم و بنگر که عاقبت و سرانجام دروغ گویان چون است ا

۲۶- وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ . (یاد کن ای محمد) آنگاه که ابراهیم به پدر و کسان خود گفت : من از آنچه شما می پرستید بیزارم ا

۲۷- إِلَّا إِلَٰهَ الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ . مگر آن کسی که مرا آفریده و او مرا راه نمائی خواهد کرد .
۲۸- وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ . و خداوند سخن ابراهیم را سخنی پاینده در نژاد فرزندان او کرد تا مگر آنها با خدا آیند و به توحید برگردند :

۲۹- بَلْ مَتَّعْتُ هَٰؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ . ما اینان و پدرانشان را برخوردار کردیم (و روزگار خوش دادیم) تا آنگاه که قرآن و پیمبری آشکارا به آنها آمد :

۳۰- وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ . و چون به ایشان قرآن آمد ، گفتند : ما به آنچه شما آوردید کافر هستیم ا

۳۱- وَقَالُوا لَوْلَا نَزَّلَ الْفُرْقَانُ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقُرَيْتَيْنِ عَظِيمٍ . (کفّار قریش) گفتند: چرا این قرآن بر مردی بزرگ از این دو شهر (مکه و طائف) فرو فرستاده نشد؟

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ ، به نام خداوندی نکونام به هر نام ، ستوده به هر هنگام ، خوش نظام و شیرین کلام ، و عزیز نام ، دل را انس است و جازرا پیغام ، از دوست یادگار و بر جان عاشقان سلام ، آزاد آن نفس که به یاد او یازان و آباد آن دل که به مهر او نازان و شاد آن کس که در غم عشق او نالان است .

آسایش صد هزار جان ، یک دم نواست شادان بود آن دل ، که در آن دل غم نواست!
دانی صنما ، که روشنائی دو چشم در دیدن زلف سپهر پر خیم نواست

۱- حلم . ۲- وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ . جاء اشارت به حیات حق تعالی و ميم اشارت به ملک او ، سوگند یاد میکند و می فرماید: به حیات من به ملک من به قرآن کلام من سوگند ، که هر کس به یکتائی من گواهی دهد او را عذاب نکم ، من آن خدایم که در دنیا پیغام و نشان از دشمن باز نگرفتم و آنرا مورد خطاب خود گردانیدم و نعمت برایشان ریختم و به بدکاری آنها نعمت نبریدم ، تا چه رسد به مؤمن موحد که در دنیا به ذات و صفات من ایمان آورده و بیکتائی و بی همتائی من گواهی داده ، هر چند که از عمل تقصیر کرده ، فردا که روز بازار و هنگام بار بود ، چسان او را از لطیفه های رحمت خود دور و از کریمه های مغفرت خود چگونه او را مهجور گردانم؟!
۵- أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ . آیه . خدائی که خطاب و پیغام خود از کافران و مشرکان قطع نمی کند! چگونه آمرزش و بخشایش خود را از کسی که در ایمان خود قصور یا تقصیر نمی کند و در خداشناسیش خستگی روی نمی دهد قطع کند؟ هر چند که گناه کار باشد؟!
بیر طریقت در مناجات خود گفته : الهی تو آنی که از بنده ناسزا بینی و به عقوبت نشتابی: از بنده کفر

می شنوی و نعمت از او باز نگیری! و توبت و انابت بر او عرضه کنی ، و به پیغام و خطاب خود او را باز خوانی ، و اگر باز آمد او را وعده مغفرت دهی ، پس چون با دشمن بد کردار چینی! با دوستان نیکو کار چونی؟

۶- وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍِّّ فِي الْأَوَّلِينَ . آیه . شگفت کاری است هر جا که حدیث دوستان در گیرد ، داستان بیگانگان در آن سر گیرد! هر جا لطافتی و کرامتی نماید ، قهری و سیاستی در برابر آن نهد! هر جا حقیقتی است ، مجازی آفریده تا بر روی حقیقت گرد می افشانند ، و در هر حجتی شبنمی آمیخته تارخساره حجّت می خراشد ، هر جا علمی است جهلی پیش آورده تا با پادشاه دانش بر آویزد! هر جا توحید است شرکی پدید آورده تا با توحید راه جنگ و جدال سپارد ، به شمار هر دوستی هزاران دشمن آفریده و به عدد هر صدیقی هزاران زندیق آورده ، هر جا مسجدی است کلیسایی در برابر او ساخته! هر جا صومعه ایست خراباتی در جلو دارد ، هر جا زنتاری است تیلسانی ، هر جا اقراری است انکاری ، و هر جا عابدی فاسق است و هر جا صادق است کاذب ، و هر جا دوستی است دشمنی و هر جا نعمتی است محنتی آفریده! که مسکین آدمی ، عاجز و متحیر فرو مانده! و زهره دم زدن ندارد ، و :

می کشد این جور از آن رخان چوماه زهره آن نه ورا که آه کند
از آنکه رویش بسان آینه است و از آنکه آه آینه را تباہ کند

پیروپریت گفت: آدمی را سه حالت است که به آن مشغول است: یا طاعت که او را از آن سوداست، یا معصیت که او را از آن پشیمانی است یا غفلت که او را از آن زیان است ایند نیکوتر از قرآن چیست؟ پرسودتر از تجارت با خدا چیست؟ ناصحتر و مهربانتر از مولا کیست؟ سرمایه‌ای فراختر از ایمان چیست؟ مگر آدمی را به زیان خرسندی است؟ یا به دوری از حق رضامندی است؟ و یا او را از دوست بیزاری است؟ که روزی بیدار شود که بودنی‌ها بودنی است، و پند آنگاه پذیرد که به او رسد آنچه رسیدنی است! که فرمود:

۸- فَأَهْلِكُنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَ مِثْلُ الْآلِ وَالِئِنَّ آيَهُ . بی‌بغم بران را دروغ‌زن گرفتند و ایشانرا مسخره (افسوس) می‌کردند و پند آنان نمی‌پذیرفتند، لاجرم ما سیاست و قهر خود نمودیم و آنانرا برانداختیم و از بیخ برکندید، هر کس باما کاود قهر ما با او تاود! ما از گردن کشان داد ستانیم و از برگشتگان کین خواهیم و به دشمنان جواب نمائیم! که ما جواب نمای دشمنانیم!

تفسیر لفظی

۳۲- أَهْمُ يَتَّقِسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَ رَحْمَتَ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْتَمِعُونَ . آیا بخشش خداوند را آنان بخش می‌کنند؟ مائیم که زندگانی آنها را در حیات دنیا بخش کردیم، و برخی بر برخی دینگر در عزت و مال برتری درجه و مقام دادیم تا یک دگر را به چاکرتی و بندگی گیرند و رحمت خداوند تو (ای محمد) از همه آنچه آنان گرد می‌آورند بهتر است.

۳۳- وَ لَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيَّهَا يَظْهَرُونَ . اگر نه این بود که ما خواستیم در این جهان مؤمن و کافر مانند هم باشند، ۱۰ برای کسانی که کافر شدند خانه‌های سیمین ساختی و زردبانهای سیمین که با آن بر بالا میشدند.

۳۴- وَ لِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَ سُرُرًا عَلَيَّهَا يَتَّكُونَ . و خانه‌های آنها را درها و تخت‌های ساختیم که به آن تکیه زنند.

۳۵- وَ زُخْرُفًا وَ أَنْ كُلَّ ذَلِكُمْ لِمَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ . و همه آنها را زرین کردی، و آنها نیستند جز متاع این جهانی. و متاع آخرت نزد خدای تو ویژه برهیز کاران است.

۳۶- وَ مَنْ يَعْمَلْ عِثْرًا كَبِيرًا الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ . هر کس از یاد خدا بگردد، دیوی را فرادست او سازیم تا او را دمسازی باشد.

۳۷- وَ إِنَّهُمْ لَيَصَّدُونَ عَنْ السَّبِيلِ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ . تا آن دیو آنها را از راه بازگرداند (و گمراه کند) و آنان گمان برند که راه نمائی شده‌اند!

۳۸- حَتَّىٰ إِذَا جَاءْنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينٌ . تا آنگاه که هر دو به ما آیند، آدم گمراه گوید: ای کاش میان من و تو ای دیو، دوری میان دو گوشه جهان (مشرق و مغرب) بود، که تو بدهمدم و بددمساز هستی!

۳۹- وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ . هرگز در آن روز شما را سودی نخواهد بود که همه ستم کارانید و در عذاب (کیفر) باهم انبازید .
 ۴۰- أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ . آیاتو (ای محمد) گوش دل کردلان را می شنوای ؟ یا چشم دل نابینادلان را راه نمائی می کنی ؟ و کسی که در گمراهی آشکار است رهبری می کنی ؟

۴۱- فَأَمَّا نَذْرٌ هَبَّ بِنَبِيِّكَ فَآتَانَاهُمْ مُنْتَقِمُونَ . پس اگر ما تورا ببریم، از آنان کین خواهیم ستد .
 ۴۲- أَوَلَيْسَ لَكَ الَّذِي وَعَدْنَا هُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ . یا به تو می نمائیم آنچه را که به آنها وعده دادیم، که ما بر آنها پادشاه و صاحب قدر تیم .
 ۴۳- فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . پس سخت استوار دار (ای محمد) پیغمی که به تو فرستادیم که تو بر راه راستی .

۴۴- وَإِنَّهُ لَدِكُمْ لَكِبٌ لِّئَلَّا تَعْلَمُوا . و این قرآن بزرگ نامی است برای تو و برای قوم عرب که خویشان تو هستند، و از شما شکر و سپاس این یاد بود و نام بزرگ را خواهند پرسید .
 ۴۵- وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ . از آنها راجع به فرستادگان ما که پیش از تو فرستادیم (برای پیغام) پرس که آیا ما فزون از خداوند، خدایانی بساختیم و پذیرفتیم که پرستیده شوند ؟ هرگز از ما چنین دستوری نبوده است .
 ۴۶- وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ . ما موسی را با پیغامها و نشانه های خویش بسوی فرعون و گروه او فرستادیم پس موسی گفت : من فرستاده پروردگار جهانانم .

۴۷- فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ . پس چون موسی به آنها با آیات ما آمد، در آن هنگام از آن نشانه های می خندیدند .

۴۸- وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتَيْهَا وَآخَذْنَا هُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ . ما هیچ نشانی به آنها نه نمودیم مگر آنکه از یکدیگر مهمتر و بزرگتر بودند، و آنان را به کیفر گرفتیم تا مگر از کفر باز گردند .

۴۹- وَقَالُوا يَا آيَةُ السَّاحِرِ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ . گفتند ای جادوگر، پروردگار خود را برای ما بخوان و از او عهد و پیمانی که نزد تو نهاده بخواه، که ما بر آن پیمان به راه خواهیم آمد .

۵۰- فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَبْتَغُونَ . پس چون عذاب از ایشان باز بردیم آنگاه آنها پیمان شکستند .

۵۱- وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ . فرعون به کسان خود بانگ زد و گفت : ای قوم من آیا مرا پادشاهی

زمین مصر نیست ؟ و این جوی ها از زیر (کاخ) من روان نیست ؟ آیا شما نمی بینید ؟

۵۲- آمَ اَنَا خَيْرٌ مِّنْ هٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكْفُرُ بِيَوْمِنَا . می بینید یا نمی بینید که من از این مردِ خوار و پست بهترم ؟ و او نمی تواند به آسانی سخن گوید^(۱) .

۵۳- فَلَئَوْلَا الْقِيَامَةُ عَلَيْهِ اسْوْرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ اَوْ جِوَارٍ مَّعَهُ الْمَلٰٓئِكَةُ مُقْتَرِنِينَ . چرا دست بندهای زرین بر او نیفکندند ؟^(۲) یا چرا فرشتگان با او همراه و در دسترس نیستند ؟

۵۴- فَاَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوْهُ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فٰلٰسِقِيْنَ . پس قوم خود را سبک مغز شمرده و آنها را زبون گرفت آنها هم تن فراوی دادند و رام او شدند ، چون آنان مردمی بد و نافرمان و بدکار بودند .

۵۵- فَلَمَّا اَسْفُوْنَا اَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَاَغْرَقْنَاهُمْ اَجْمَعِيْنَ . پس چون ما را به خشم آوردند ما از آنها کین کشیدیم و همه را به آب کشتیم .

۵۶- فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْاٰخِرِيْنَ . پس ما آنها را داستان و سرگذشتی برای همه پیشینیان و پسینیان شناختیم .

۵۷- وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا اِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُوْنَ . و چون مثال عیسی برای قوریش زده شد (که او هم مانند آدم بن پدر به دنیا آمده) آنگاه خویشان تو (ای محمد) از آن برگشتند و خندیدند .

۵۸- وَقَالُوْا اَلِهَتُنَا خَيْرٌ اَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوْهُ لَكَ اِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خٰصِمُوْنَ . و گفتند: خدایان ما (بتها) بهترند یا عیسی ؟ این مثال عیسی را نزدند مگر برای پیکار با حق که قوم قوریش مردمی جنگی و جدلی هستند .

۵۹- اِنْ هُوَ اِلَّا عَبْدٌ اَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِيْ اِسْرٰٓئِيْلَ . عیسی نبود جز بنده ای که ما او را بنواختیم و او را عبرت بنی اسرائیل ساختیم ا

۶۰- وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنٰكَ مِنْكُمْ مَّلٰٓئِكَةً فِی الْاَرْضِ يَخْلُفُوْنَ . اگر ما می خواستیم بجای شما فرشتگانی می آفریدیم که در زمین می بودند و یکی پس از دیگری جانشین می شدند ا

۶۱- وَاِنَّهُ لَعَلِمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُوْنَ هٰذَا صِرٰطٌ مُّسْتَقِيْمٌ . خداوند فرمود: عیسی نشان آگاهی مردم برای روز رستاخیز است ، پس در درستی آن گمان و شک نبرید و مرا پیروی کنید که این است راه راست :

۶۲- وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطٰنُ اِنَّهُ لَكُمْ حَدُوٌّ مُّبِيْنٌ . مبادا شیطان شما را از راه برگرداند که او دشمن آشکار شما است .

۶۳- وَلَمَّا جَاءَ عِيسٰٓی بِالْبَيِّنٰتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَ لَ اُبَيِّنْ لَكُمْ بَعْضَ

۱- سابقاً در شرح کودکی موسی در قصه فرعون و پسرخواندگی او و اینکه آتش بر زبان خود زد و کمی زبان نارسا شد ا به تفصیل سخن رفته است .
 ۲- در میان مردم مصر و فراعنه رسم بوده که چون کسی رئیس و فرماندار میشده دستبند و گردن بند به دست و گردن او برای احترام و شان می بستند و در آنجا فرعون برای سرزنش موسی می گوید که چرا سوار و طوق زرین ندارد .

الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَآتِقُوا اللَّهَ عِيسَىٰ بِأَيْدِيهَا وَنَشَانِهَايَ رُشْنَ آمَد، گفت: من برای شما سخن راست و درست آورده‌ام تا برای شما آنچه را که در آن اختلاف دارید بیان کنم، پس خدا را بپرهیزید و مرا فرمان برید.

۶۴- إِنْ اللَّهُ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ. (وگفت: خدای یگانه پروردگار من و شما است، پس او را پرستید که این است راه راست.

۶۵- فَاتَّخَذَتْ أَلْحَزَابُ مِّنْ بَيْنِهِمْ قَوِيلًا لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الِيمِ. پس دسته‌های ترسایان جدا جدا شدند، پس وای بر ایشان که بر خویشان از عذاب روزی دردناک ستم کردند.

۶۶- هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ. آنها چه چشم داشت دارند؟ جز روز رستاخیز که ناگهان به ایشان بیاید درحالی‌که آنها نمی‌دانند!

تفسیر ادبی و عرفانی

۳۲- أَهْمُ يَفْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا آیه. بزرگان قریش از سبکسری و سرسنگینی می‌گفتند از میان همه مردم، کلاه پیغمبری تنها بر سریتیم ابوطالب نهادند! اگر این حدیث راست بودی، رئیسان می‌که و طائف سزاوارتر بودند! این است که منادی عزت در میان آنها ندا میکند که (نَحْنُ قَسَمْنَا) ما میان مردم عزت بخش میکنیم، آنرا که نخواهیم در وادی حیرت می‌افکنیم و آنرا که نخواهیم با زنجیر لطف به بارگاه می‌کشیم، یکی را که نخواهیم در منزلهای بلند پایه به دست توفی می‌سپاریم و یکی را که نخواهیم سرنگونتر همی‌داریم، قسمت کردن ما چنین و حکم ما این است!

شهری است بزرگ و من بدو درمیرم ناخود زخم و خود کشم و خود گیرم!

لطیفه: فرمان به جبرئیل از ربّ جلیل آمد که رخس نوازش و فضل ما را زین عنایت بر نه، و یتیم ابوطالب را به حضرت آر، و عنان براق را در شاخ سیدره بند، که ما می‌خواهیم از خزانة غیب خود او را خلعت‌ها دهیم. آری، بزرگان قریش گفتند چرا محمد یتیم در اعلا علیین و ما در اسفل سافلین باشیم؟ خطاب آمد که

نَحْنُ قَسَمْنَا. قسمت با ما است، کسی حق چون و چرا ندارد!

نوح پیغمبر به درجات اعلی و جنات ماوی، در بهشت شادان و نازان، لیکن جگر گوشه (فرزند او)

او در درکات سفلی! میان آتش دوزخ سوزان و گدازان!

ابلیس لعین از آتش آفریده شده، خداوند در سیدره منتهی او را جای داد هزاران سال او را بر مقام خدمت بداشت، آنگاه چون سر از طاعت پپچید، زنتار لعنت بر میان او بست! لیکن آدم عاکی را از خاک تیره بر کشید و نا کرده خدمت، تاج کرامت بر فرق وی نهاد! گفتند: این عزت و حشمت آدم از کجا؟ و آن ذلت و مهنت ابلیس از چه جهت؟ خطاب رسید نَحْنُ قَسَمْنَا، بر قسمت ما چون و چرا نیست، آنکه چون و چرا کند بر درگاه ما بار نیست! چون خداوند از کسی اعراض کند زخم آن قابل التیام نیست و چون به کسی اقبال کند از خاک خانه او همه جهان توانگر گردند! این است که فرمود:

... وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ . آیه. ما در دادن درجات رفیع هم بعضی را بر بعضی بالاتر بردیم تا حدیکه محمد مصطفی را با آن جلال و اهتت به آسمان برد و به مقام قرب رسانید.

... وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْتَمِعُونَ . آیه. تو انگران دو گروهند : تو انگران مال و تو انگران حال، گروه اول به مال می نازند ، و گروه دوم به نَحْنُ قَسَمْنَا می سازند اگر از این باریکتر خواهی تو انگران حال هم دو گروهند ، گروهی را که دیده بر قسمت قَسَام آمد ، به هر چه یافتند رضا دادند ا و قانع گشتند، گروهی دیده بر نَحْنُ قَسَمْنَا نداشتند و به مشاهده قسمت قَسَام نپرداختند، هر دو جهان به آنها عرضه داشتند و جلوه دادند ، آنان در آن نیاویختند، بر شریعت محمدی راست رفتند و سیرت او را پی روی کردند ، لاجرم امروز مفتاح باب رشاد و مصباح سرای سداد شدند و فردا ایشانرا چنان ساختند که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است. بو بکر رضی (شیخ شام)، در بادیه ای به تخرید (ریاضت و عبادت) مشغول بود، روزی در خداوند زارید و نالید و گفت : خدایا ، از آن حقیقت خیر که مرا دادی ، بردل من چیزی آشکار کن، تا جان من بیاساید، ناگاه دری از حقایق قُربت بر او گشادند، زاری به او افتاد | نزدیک بود تباه شود | گفت : خدایا بپوش که من تاب و توان آن حال ندارم | آنرا بر او پوشیدند !

شیخ انصاری گفت : نهان کردن غیب و پوشیدن حقایق از جانب خداوند ، رحمت بر بندگان است که در این جهان ننگند، و هر چه از آن آشکارا شود ، یا آن کس را در وقت مشاهدت ببرند | (عمیرد) با عقل وی طاقت آن ندارد و احوال وی متغیر شود |

لطیفه : گفته اند : غیب و حقیقت نهان بهتر است تا در سرای غیب و حقیقت بر سر آن شوی | که این دنیا سرای بهانه است تا روزی که این مدت به سر آید ، و این غذای مقدر خورده آید و در غیب باز شود |
۳۶ وَمَنْ يَعْشُرْ عَيْنَ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ . آیه . هر کس قدر خلوت حق نداند از ذکر او بازماند، و هر که از ذکر او بازماند ، خلوت ایمان از کجا یابد؟ لاجرم بجای ذکر رحمن بوسوسه های شیطان نشیند و هواجس نفس بیند و هر که بر پی شیطان رود و هوای نفس پرستد قدر ذکر خدا چه داند و از درد دین چه خبر دارد؟ که فرمود : هر کس قدر خلوت با خدا را نداند ، از ذکر خدا منصرف و غافل شود و با شیطان قرین و همدم گردد ، و آنان که قدر خلوت و ذکر دانند به مقام سلمان و بلال و معاذ رسند ، پس باید هشیار بود ، زیرا : سلمان ریخته و بلال سوخته و معاذ کوفته باید ، تا حدیث درد دین و انس ذکر با تو گویند | که گفته اند :

از پن هشتی ریاست جوی رعنا هیچ نغمشاید مسلمانان جوی و داد دین زبودرد! |
ای درویش ، بس نماند که این شب محنت به سر آید ، و صبح کرامت از مشرق قربت بر آید ، ظلمت فرقت را نور وصلت بر بایده بس نماند که آنچه خبر است عیان شود ، آرزوها نقد و زیادت بی کران شود، دست علائق از دامن حقایق رها نشود ، قصه آب و گل نهان و دوست ازلی عیان گردد ، که هر که قدر خلوت با حق نداند از ذکر او بازماند و دیده و دل و جان هر سه به او نگران شود . این است مقام سلمان و بلال و معاذ و مانند آنان .
اگر بلال است از چهار مسلمانی بیمار و نحیف و لاغر و ضعیف گشته | اگر معاذ است سر پرده عشق در صحرای درد نیافت زده | و اگر سلمان فارسی است که جان و دل خویش ، غریب وار از اندوه دین و درد اسلام

بگذاخته، سر در سیر خود گم کرده از ولته و خیرت با آن جای رسیده که به درب مسجد رسول بگذشت، چنان از خود بی خود و چنان مستغرق آن شد که سلام بر رسول خدا را فراموش کرد و جلال و عظمت رسالت به جان و دل او چنان تاخین کرد که جای سلام بر رسول نگذاشت و به زبان حال گفت: **يَعْلَمُ اللهُ**، گرهی دانم نگارا شب ز روز!

چون بر مصطفی برگذشت و سلام نکرد، حضرت تند در او نگرست، دل وی را دید چون کشتی در دریای غیب افکنده، باد جلال از وزشگاه تجلی برخاسته، کشتی شکسته و سلمان سرگشته، زبان او به زیارت دل رفته، دل در جان آویخته، جان در حق گریخته امصطفی دانست که سلمان از خود رها شده، و مرغش از روزن دل به عالم ملکوت پرواز کرده!

پس بدان ای جوان مرد که عمده کار، مرغ است و گرنه قفس بی مرغ به چه شاید؟ که گفته اند: قفس قالب است و مرغ امانت پر او عشق، پرواز او ارات افق او غیب، منزل او درد، هر که که این مرغ امانت، از قفس بشریت بر افق غیب پرواز کند، فرشتگان عالم بالا، دستها به دیده خود باز نهند؛ تا برق این جمال، دیده های آنان را نرباید!

مصطفی هر چند از احوال سلمان باخبر بود، لیکن غیرتی بر سخرای سینه او گذر کرد! گفت: ای سلمان، بر می گذاری و سلام می نکنی! سلمان جواب نداد! رسول فرمود: ای سلمان، آخر نه من راحت نمودم^(۱) آیا نه به شفاعت من همی امید داری؟ سلمان جواب نداد! رسول فرمود: سر (دل) سلمان در آن ساعت در خداوند زارید! که خدایا، یا زبانی ده تا جواب دهم، یا جوابی از بهر من بازده!

جبرئیل همان دم باشتاب آمد! حضرت فرمود: جبرئیل، امروز به شتاب آمدمی؟ گفت: آری، که سلمان در غرقاب است. ای محمد، خداوند تو را سلام می رساند و می فرماید: که به سلمان می گوئی: نه من راحت نمودم؟! تو را راه که نمود؟ می گوئی: نه امید به شفاعت من داری؟ در همه عالم کرا زهره شفاعت بود تا دستوری من نباشد؟ ای محمد، تو بر کوه طور نبودی آن روز که ما ندا کردیم که آن ذره سلمان در میان ذره ها متواری و خیمه عشق بر صحرازد و غیرت (آرینی) را استقبال کرد، آنگاه ندا آمد که ای موسی، تو پنداری که در این ملک، عاشق خود تویی؟ در نگر به این محاک طور، تا در زیر هر ذره ای عاشقی بیستی که همه ایستاده و می گویند: رب آرینی! آنگاه پیغمبر سلمان را نوازش کرد و فرمود: هر کسی بخواهد به بنده ای نگیرد که خداوند دل او را نورانی کرده، به سلمان نگیرد!

تفسیر لفظی

۶۷- **أَلَا خِصْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ**. دوستان (گناهکار) در آن روز (رستاخیز) همه دشمن یکدیگر باشند! جز پرهیزکاران از شرک (که همه باهم دوستند).

۱ - نوشته اند وقتی سلمان به حضور رسول اکرم رسید برده ای بود که آزادی نداشت و حضرت او را از صاحبش خرید و آزاد و راهی کرد.

۶۸- يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ . ای بندگان من ، بر شما امروز نه بیم است و نه اندوه دارید .

۶۹- الَّذِينَ آمَنُوا بِالْآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ . آن کسانی که به نشانه های ما ایمان آوردند و مسلمان بودند .

۷۰- ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ . (به آنها گویند) در بهشت در روید که شما و جفتهاتان را شادان می دارند .

۷۱- يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَاكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ . بر آنها می گردانند کاسه های زرین و تَنگها و در آنها چیزهایی است که دلتها خواهد و چشمها را خوش آید و شما در آن بهشت جاودانید .

۷۲- وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ . و آن بهشت است که شما را میراث دادند (از کافران) به سبب آنچه در دنیا نیکویی می کردید .

۷۳- لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ . شما را است در بهشت میوه های بسیار که از آنها می خورید .

۷۴- إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ . گناه کاران (ناگرویدگان) در عذاب دوزخ جاویدانند .

۷۵- لَا يَنْفَعُهُمْ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ . از عذاب آنها هیچ کم نکنند و آنان در عذاب خوار و نومید و فرومانده اند .

۷۶- وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ . ما به آنها ستم نکردیم لیکن آنها خود به خودشان ستم کار بودند .

۷۷- وَتِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ الَّتِي نُنزِّلُهَا عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ . خازن دوزخ را ندا زدنا . که از خدا بخواه تا مرگ بر ما راند ، خازن گوید : شما اکنون (ایدر) ، در دوزخ خواهید ماند .

۷۸- لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ . ما در دنیا پیغام راست بشما آوردیم لیکن بیشتر شما سخن راست و حق را دشوار و ناخواه بودید .

۷۹- آمُومُوا أَمْراً فَمَا تَلَا مُبْرَمُونَ . یا ایشان (در کار محمد) کاری استوار می سازند ، ما هم در کار آنها کاری استوار می سازیم .

۸۰- آمُومُوا أَمْراً فَمَا تَلَا مُبْرَمُونَ . وَاَنْتُمْ كَانْتُمْ يَكْفُرُونَ . یا گمان می کنند که ما ، راز دل آنها و نهان ایشان در دلتا نمی شنویم آری ، می شنویم و فرستادگان ما نزد آنها ، همه را می نویسند .

۸۱- قُلْ إِنَّ كَلَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَكَدْ قَاتَلْنَا أَوَّلَ الْعَالَمِينَ . بگو (ای محمد) اگر خداوند فرزندان داشت من اول کسی بودم که از پرستش فرزندان چنین خدائی ننگگ نداشتم (ولی من میدانم که او باک و بی فرزندانست) .

۸۲- سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ . پاک و منزّه است پروردگار

آسمانها و زمین و پروردگار عرش برین ، از آنچه کافران او را وصف می کنند (که فرزندان دارند) .

۸۳- فَتَذَرُهُمْ يَتَخَوُّهُمُ وَيَتَعَبُّوهُمُ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ . ایشان را واگذار تا

همان نابکاری کنند و بیازی زیستند ، تا آنگاه که روز ملاقات رسد که به آنها وعده داده اند .

۸۴- وَ هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَ فِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ . اوست که در آسمان

خدا است و در زمین هم او خدا است و اوست راست دانش و داناراست .

۸۵- وَ تَبَارَكَ الَّذِي أَنَّهُ مُلْكُكَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ

وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ . برتر است و پاکتر است خدائی که او را پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است و

دانش روزی رستاخیز نزد اوست ، و همه بسوی او برگردانده میشوند .

۸۶- وَلَا يَمْلِكُكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ .

آنان که جز خدا را شفیع خود می خوانند پادشاه نیستند و مالک چیزی نمی باشند ، مگر کسی که به راستی شهادت

دهد و آنها خود این را می دانند .

۸۷- وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَتَىٰ يُؤْفَكُونَ . اگر از آنها پرسى که چه

کسی آنها را آفریده ؟ هراینه می گویند خدا آفریده ! در این صورت چگونه از حق روگردان و دروغ زنند ؟

۸۸- وَقِيلَ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ . (چنین پندارند که ما نمی شنویم) گفتار محمدا

که می گوید : پروردگارا این گروه مردمی هستند که نمی گروند !

۸۹- فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ . پس (ای محمد) آنها را واگذار و بگذار

و بگو سلام (بیزاری) بر شما ، پس از آن (تا هنگام خود) خواهنده دانست (که چه کیفری دارند) .

تفسیر ادبی و عرفانی

۶۷- أَلَا خَلِئَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ . آیه . بدانکه خداوند به حقیقت

شایسته دوستی است و بس ، زیرا کمال جمال و جلال بی زوال اوراست ، ذات ازلی و صفات سرمدی اوراست ،

وجود بی نهایت و وجود بی غایت اوراست ، علم بی آلت و قدرت بی حیلت اوراست .

لطیفه : هر که صفای محبت حق در دل او جای گرفت ، کدورت طلب دنیا و قبول خلق از دل او رخت

بربست ! اگر از مخلوقان کسی را دوست دارد ، از آن جهت است که او به حق تعلق دارد ، یا از روی دوستی

باحق مناسبی در میان است ، زیرا هر کرا دوستی باشد ، به حقیقت جانانه و کوی و برزن اورا هم دوست دارد که

گفته اند : مقصود رهی ز کوی تو روی تو بود !

ای جوان مرد ، دوستی متقیان و پارسایان از آنست که خداوندی گوید : إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ .

و رسول خدا می گوید : مرا برای دوستی خدا دوست بدانید . پس منتهای همه دوستیها کمال جمال حق تعالی است

و نشان محبت آنست که هر مکروه طبع و نهاد که از دوست به تو آید آنرا بردیده نهی که فرمود : بوی گوناگون

دهان روزه دار که از عطر سر پرده الاهی است از همه عطرها بهتر است .

آن دل که تو سوختی تو را شکر کند و آن خون که تو ریختی به تو فخر کنند

زهری که بیاد تو خورم نوش آید دیوانه تو را ببند باهوش آید!

۶۸- يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ . آیه . همانگونه که خداوند در

ازل گفت : بندگان من (عبادی) در ابد هم گوید : بندگان من ، شما آفریده منید و من پروردگار شما . پس نرسید و اندوهگین مباشید و آنچه خواهید از من بخواهید .

لطیفه : هر کس تو را دید بشناخت ، و هر که بشناخت بپاویخت ، و هر که بپاویخت بسوخت و سوخته

را دگر باره نسوزند ، بلکه به این ندا بنوازند که : ای بندگان من مترسید و دل تنگ مباشید!

آن آیت خطاب به همه مؤمنان است: اما خطاب به نزدیکان و خاصان آنست که فرمود : ای بندگان

من ، آیا مشتاق من هستید و دیدار مرا دوست دارید ؟ این عزیز حالتی است ! و بزرگ منزلتی ، که قاصد به مقصود و طالب به مطلوب و محیب به محبوب رسیده ! درخت وصل به برآمده ، و رسول مقصود به درآمده ، و یار به شرط عشق درآمده !

یار هم آخر به شرط عشق در آید

رنج من از عاشقیش هم به سر آید!

۷۱- يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِضُحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ . آیه . این بهره عابدان و زاهدان است

که بیک باره خود را به طاعت و عبادت دادند ، و به حکم ریاضت و مجاهدت برفق شرع روزگار به گرسنگی و تشنگی به سر آرند و لذت خوردنیها و چشیدنهای دنیا را بکار ندارند ، تا فردا در بهشت حور و غلمان پیاله های زرین بر سر ایشان گردانند !

... فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ . آیه . این آیت نصیب عارفان و بهره مشتاقان

است که تا بودند در آرزوی دیدار جمال حق بودند ، و با دلی تشنه و نفسی سوخته و بجانی به عشق افروخته ، شمه ای از عالم دوستی به آنها رسیده و آنان در آن شمه سراسیمه و حیران گشته ، حیرتی که درون پرده است نه برون ، چون حیرت برون پرده ، گمراهی است و حیرت درون پرده از آناز کمال الاهی است !

بزرگان گفته اند : هر که از خلق به حق نتواند شد متحیر می گمراه است ، و هر که از حق به خلق نتواند

آمد متحیر حضور درگاه است ! هر جا و هر چند که رود ، جز به او باز نگردد!

پیر طریقت گفت : روزگاری او زای جسم خود را می یافتم ! اکنون خود را می جویم او را می یابم !

این آن تحیر است که جوان مردان آنرا به دعا خواسته اند که گویند : يَا ذَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ زِدْنِي تَحْيِيرًا ، ای رهنمای حیرت زدگان ، حیرت مرا فزون کن .

قومی خدای را بر بیم و طمع پرستند و دیده ایشان بر این آمد که جامها و پیاله های زرین بالای سر آنها

گردانند ! اینان مزدورانند ! در بند پاداش مانده ! و دل در غم بهشت بسته ! قومی دیگر ، خدای را به میهر و

دوستی پرستند ، آنان عارفانند که دل به مهر او داده و در آرزوی دیدار او سوخته اند!

نیز پیر طریقت گفت : من چه دانستم که آن کس که بهشت او را رأس مال است مزدور است ! عارف کسی

است که در آرزوی یک لحظه وصال است ، من دانستم که حیرت به وصال تو طریق است و تو را او بیشتر جوید

که در تو غریق است!

کی خندد اندر روی من ، بخت من از میدان تو؟ کی خیمه از صحرای جانم بر کند ، هجران تو؟
 تا کی روم بر بوی تو ، در کوی نجست و جوی تو با مهر و گفتگوی تو ، ازهر سوئی جویان تو!
 به داود وحی آمد که ای داود ، دوست دارنده ترین دوستان من کسی است که پرستش مرا بی پاداش کند ، تا من هم حق او را دهم ، وستم کار تر بنده من کسی است که به امید بهشت و بیم از دوزخ مرا پرستش کند! عیسی به گروهی از خدا پرستان گذشت که از عبادت گداخته شده بودند و می گفتند: ما از آتش دوزخ می ترسیم و به بهشت امیدواریم ، عیسی گفت: عجب دارم ، شما از مخلوقی می ترسید و به مخلوقی امید دارید! گروهی دیگر را دید که خدا را برای دوستی و عشق به او می پرستند عیسی گفت: شما دوستان خدا نید و مرا به دوستی با شما فرموده که با شما باشم و با شما نشینم .

سوره - ۴۴ - دخان - (مکی) ۵۹ آیه

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان.

- ۱- حَلَمٌ . ۲- وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ . سوگند به این نامه آشکار کننده حق از باطل .
- ۳- إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكَةِ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ (۱) . ما قرآن را در شبی با برکت (شب قدر) فرستادیم و ما مردم را به این کتاب آگاه می کنیم .
- ۴- فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ . در این شب هر حکمی را برجای خود کنند و هر فرمانی نیکو و کاری راست نمایند .
- ۵- أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ . این فرمانی است از نزد ما و ما این شب فرشتگان را فرود فرستادیم .
- ۶- رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . بجز این از سوی پروردگار تو (ای محمد) که خداوندی است شنوا و دانا .
- ۷- رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ . پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است ، اگر شما بی گمان یقین دارید .
- ۸- لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ . خدائی جز او نیست ، زنده میکند و می میراند ، که او پروردگار شما و پروردگار پدران پیشینیان شما است .
- ۹- بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ لَوْلَا رِزْقُهُمْ مِنَ السَّمَاءِ لَافْتَدَوْا بِهِمْ سُوءَ ظَنُّهُمْ أَنَّهُمْ لَا يُرْجَوْنَ . آری ، ایشان در شک و گمان خود بازی می کنند!
- ۱۰- فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ . پس تو (ای محمد) چشم دار (و نگران باش) روزی را که آسمان دودی پیدا و آشکارا آرد .

۱- ليله مبارکه را مفسران به شب ۱۵ شعبان تفسیر کرده اند که مقدرات و قسمتهای سال بعد کسان معین

- ۱۱- يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ . مردمان را می پیچد و فرا می گیرد | این است عذابی دردناک :
- ۱۲- رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ . (کافران گویند) پروردگارا ما ، این عذاب را از ما بازدار ، که ما بگرویم .
- ۱۳- آتَى لَهُمُ الذَّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ . بجا جای پند پذیرفتن است ؟ در حالیکه فرستاده ای آشکارا بایشان آمد ؟
- ۱۴- ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنهُ وَقَالُوا مَعَلَمٌ مَّجْنُونٌ . پس از آن از او برگشتند و گفتند او بَشْتَری آموخته دیوانه است !
- ۱۵- إِنَّا كَلَّشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ . ما یکک چندی عذاب را از شما باز گیریم ، شما هم به کفر خود باز می گردید !
- ۱۶- يَوْمَ نَبْطِئُ السَّبْطِشَ الْكَبِيرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ . آن روز که بر کوبیم (هر چیزی را) کوبیدن بزرگی ، در آن روز ما از آنان انتقام گیریم .
- ۱۷- وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ . ما پیش از ایشان ، قوم فرعون را بیازمودیم و پیمبری راست و پاک و نیکو به آنها آمد .
- ۱۸- أَنْ آدُوا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . (گفت) که حق خدای را بمن ادا کنید و بندگان خدای را بمن دهید که من فرستاده استواری برای شما هستم .
- ۱۹- وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَيَّ اللَّهُ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ . و اینکه به خدا گردن کشی نکنید که من شما را برهانی آشکاری آورم .
- ۲۰- وَإِنِّي عِدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ . و من به خدای خویش پناه می برم و به خداوند شما اگر که مرا بخواهید سنگسار کنید !
- ۲۱- وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاغْتَرِلُونِ . و اینکه اگر به من نمی گروید از من باز شوید و مرا بحال خود وا گذارید :
- ۲۲- فَلَمَّا رَأَىٰ أَن هُوَ لَآئِمٌ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ . پس موسی خدای خویش را خواند و گفت : این گروه مردمی گناه کارند و نخواهند گروید :
- ۲۳- فَآسَرَ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ . ما گفتیم (به موسی) بندگان ما را به شب از (مصر) بیرون بر ، که دشمن بر پی شما خواهد آمد ، و شما پی کرده میشوید .
- ۲۴- وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْنًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ . و (گفتیم به موسی) دریا را همچنان آرام بگذار که ایشان گروهی غرق شدنی هستند :
- ۲۵- كَمْ تَرَ كُوفًا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ . چه بسیار از باغها و چشمه ها که فرو گذاشتند و رفتند :
- ۲۶- وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ . و چه کشتزارها و نشیمنی ها که (فرعونیان) از خود فرو گذاشتند !
- ۲۷- وَنَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَالْكِهِينَ . و نعمتها و تن آسائنها که در آن شادان و نازان بودند .

- ۲۸- كَذٰلِكَ وَاَوْرَثْنٰهَا قَوْمًا اٰخِرِيْنَ . بدین گونه، آنها که آراسته و ساخته‌ها از ایشان باز ماند به قوم دیگر دادیم که وارث آنها شدند .
- ۲۹- فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْاَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِيْنَ . نه آسمان و نه زمین به آنها گریست و نه آنانرا مهلت (درنگ) دادند .
- ۳۰- وَ لَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ . و ما فرزندان اسرائیل را از عذاب خواری آورده ساختیم .
- ۳۱- مِنْ فِرْعَوْنَ اِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِيْنَ . از عذاب و آزار فرعون که او برتری دارنده بود از میان گروه گزاف کاران !

❁ تفسیر ادبی و عرفانی ❁

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ . بنام خدائی که ذکر او آئین زبان ما ، و مهر او قوت قلب ما ، و نظر او شاهد جان ما است و یاد او راحتی روح ما ، مبارک آن کس که مؤنسیش نام اوست ، و عزیز آن کس که همراهش راه او است ، شاد آن دل که در آن میهن اوست ، آباد آن زبان که بر آن ذکر اوست ، آزاد آن کس که وی در بند اوست ، بزرگوار آن نفس که بر امید دیدار اوست .

پیر طریقت گفت : خدایا ، یادت چون کم که من خود همه یادم ، من خرمن نشان خویش فراباد نهادم ، الاهی ، دریافتن خود یاری و یادگاری ، معنی دعوی صادقانی ، فروزنده نفسهای دوستانی ، آرام دل غریبانی ، چون در میان جانی ، از بی دلی می گویم که کجائی ؟ جانا زندگی می باید توانی ، به خود و از خود ترجیحی ، به حق تو برخوردت که ما را در سایه غرور نشانی و به عز وصال خود رسائی . آمین .

جان و جهانم توئی و سمرت نبینم یکسره بد باد روز جان و جهانم

۱- حم ، حامیم . ۲- وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ . ۳- اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِیْ لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ . این شب مبارک به گفته بیشتر مفسران . شب نیمه شعبان است و آنرا مبارک خوانند از بهر آنکه پر خیر و پر برکت است ، همه شب داعیان را اجابت است و سائلان را عطیت ، مجتهدان را معونت و مطیعان را مشیوت ، عاصیان را اِقالت است و محبتان را کرامت ! همه شب درهای آسمان گشاده ، بهشت هادرها را باز نهاده ، ساکنان خلد بر کنگره هانشسته ، ارواح بیغمبران و شهیدان به طرب آمده ، همه آن شب نسیم روح ازلی از جانب قرب به دل دوستان می دمد ، و باد کرم از هوای فردانیت بر جان عاشقان می وزد ، و از دوست خطاب می آید که :

آیا سالی هست که من او را عطا کنم ؟ آیا آمرزش خواهی هست که من او را بیامرزم ؟- ای درویش ، بیدار باش در این شب که همه بساط نزول بیفکننده و گل وصال جانان در باغ رازداری شکفته انیسیم بحر مبارک بهاری وارمیده ، و پیغام خداوند به رازی عجیب و شگفت آور این سخنان را می گوید :

کسی که ما را شناخت چگونه با غیر ما آرام گیرد ؟ و کسی که ما را یافت چگونه با دیگری پردازد ؟ کسی که رنگ و بوی وصال ما و یاد ما دارد ، چگونه دل در رنگ و بوی این جهان بندد ؟

از تعجب هر زمان ، گوید بنفشه کی عجب ! هر که زلف یار دارد ، چنگ چون بر مازند ؟
 ۴- فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ . آیه . در شب نیمه شعبان نسخه های از آسمان و لوح محفوظ
 رسد که هر که از این شب تا شب سال دیگر از دنیا رفتن باشد نسخه آنرا از لوح محفوظ بردارند و به عزرائیل دهند
 و گویند این است شغل تو تا دیگر سال !

هر چه سیاستها و بلاها و انواع عذابها و تغییرات گوناگون باشد نسخه آنرا به جبرئیل دهند و گویند :
 اینها کار تو است تا سال دیگر !

هر چه نعمت و راحت و روزی و آسایش بود نسخه آن به میکائیل دهند و گویند : این کار تو است تا سال
 دیگر ! هر چه جاه و جلال و عزت و مرتبت و اقبال و دولت بود ، نسخه آن به اسرافیل دهند و گویند : این
 است کار تو تا سال دیگر !

در میان فرشتگان فرشته ای مهیب تر و با سیاست تر از جبرئیل نیست ! و فرشته ای حلیم تر و رحیم تر و مهربان تر
 از میکائیل نیست !

لطیفه : شب نیمه شعبان را شب برات ، شب نسخه ، شب فرق و شب عرض و برخی او را شب قدر هم می دانند .
 در خبر است که روزی جبرئیل و میکائیل با هم مناظره کردند ، جبرئیل گفت : مرا شگفت آید که با
 این همه جفاکاری و بی حرمتی بندگان ، از هر چه خداوند بهشت را آفریده ؟ میکائیل گفت : مرا از آن شگفت
 آید که خداوند با آن همه فضل و کرم و رحمت که بر بندگان دارد چگونه دوزخ را آفریده ؟

از حضرت رب عزت خطاب آمد که از میان هر دوی شما ، آنرا دوست تر دارم که به من گمان نیکوتر دارد
 یعنی میکائیل ! که رحمت و حلم بر نعمت و غضب برتری می دهد !

عایشه گوید : شب نیمه شعبان که شب نوبت من بود ، در میان شب محمد را نیافتم بخاطرم گذشت مگر به حجره
 دیگر زنان رفته باشد ! بر خویشتن بر نامدم ! (رشک بردم) برخاستم به جست و جوی وی رفتم ، او را دیدم که سر به
 سجده نهاده می گوید :

خدایا ، از عقاب تو به عفو پناه می برم ! و از سختی تو به رضایت پناه می برم ، و از تو به تو پناهنده
 میشوم ، ثنای تو را چنانکه خود را ثنا گوئی من نتوانم !

آری ، این چند کلمت اشارت است به منزلها و مرتبه های راه روان بسوی حق ، روشنی و راه رفتنی از
 روی همت نه از روی قدم ! چنانکه رسول خدا در اول فعل را نظاره کرد و گفت : به عفو پناه آمدم ! آنگاه
 از آن مقام گذشت و نظاره صفت کرد به رضایش پناه برد ، سپس نظاره ذات کرد و از او به او پناهنده شد !
 آنگاه از صفات خود مجرد شد و گفت : توانائی شماره ثنای تو را ندارم ! سپس یگانگی و یکتائی خدا را یاد کرد
 و گفت : ثنای تو را چون ثنا گوئی خودت من نتوانم ! که اول مقام استدلال است و دوم مقام افتقار ، سوم مقام
 مشاهدت ، چهارم مقام حیات و پنجم مقام فنا و مرگ !

تفسیر لفظی

۳۲- وَلَقَدْ اخْتَرْنَا هُمُ عَلِيَّ عَلِيمًا عَالَمِينَ . ما آنها را (بنی اسرائیل) از روی دانش بر همه

جهانیان روزگار ایشان برگزیدیم .

۳۳- وَ آتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهَا بَلَاءٌ لِّئِن لَّمْ يَظْهَرِ أَنَّ هَٰؤُلَاءِ لِيَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَوَلَّوْا أَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ . و ایشانرا آیه‌ها و نشانها دادیم که در آنها آزمایشی آشکار بود ا

۳۴- إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَيَتَّقُونَ . همانا، آنان (اهل مکه) می گویند:

۳۵- إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ . آن نیست مگر یک مرگ نخستین (که در دنیا بمیریم) و ما برانگیزانده نیستیم (و نشر نداریم) .

۳۶- فَأَتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ . پس پدران ما را از گور به درآید اگر راست میگوئید.

۳۷- أَهْمُ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبْعِجُ وَالَّذِينَ مِنَ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ . (ای محمد به آنها بگو) آیا ایشان بهترند یا قوم تبیع^(۱) و کسانی که پیش از ایشان بودند که ما همه را هلاک کردیم، چون گروهی بدکاران و گناه کاران بودند .

۳۸- وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْبِئِينَ . ما آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است به بازی گری و بازیچه نیافریدیم .

۳۹- مَا خَلَقْنَا هُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَاللَّيْنِ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ . ما نیافریدیم آنها را مگر به راستی و حق، لکن بیشتر آنها نمی دانند ا

۴۰- إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ . روز برگردان روز رستاخیز و روز حساب، همان روز هنگام نامزد شده همه آنها است .

۴۱- يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَن مَّوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ . آن روز که هیچ خویشی خویش را بکار نیاید و نه ایشانرا فریاد رسند .

۴۲- إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ . مگر کسی که خدای یگانه او را ببخشد، که خدا توانا و بخشنده است .

۴۳- إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ . همانا درخت زقوم (درخت از آتش در دوزخ) .

۴۴- طَعَامُ الْآلَمِينَ . خوراک گناه کاران است .

۴۵- كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ . مانند آب بجوشان در شکم‌ها می جوشد ا

۴۶- كَغَلِيِّ الْحَمِيمِ . مانند جوشیدن آب جوشان .

۴۷- خُذُوهُ فَاغْتَلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْحَمِيمِ . (به شعله‌های دوزخ گویند) او را بگیرید و تا میان

دوزخ بکشید .

۴۸- ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِّنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ . آنگاه از عذاب آب گرم بر سر او ریزید :

۴۹- ذُوقْ إِنَّكَ مِنَ الْعَذَابِ الْكَبِيرِ . (وبه او گویند) بچش از آتش دوزخ، به کیفر آنکه گفتی که

تو توانا و کریمی^(۲) !

۱- قبچ لقب پادشاهان حمیری یمن از قبیله قحطان است مانند لقب قیصر برای روم و کسری برای ایران .

۲- این آیه در مورد ابو جهل نازل شده که به محمد (ص) گفت تو کاری بر زبان بن نتوانی کرد چون که

۵۰ - إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ . (ای کافران قریبش) این آتش همان است که در آن شک داشتید .

۵۱ - إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ آمِنٍ . همانا پرہیزکاران در جای امن و جاویدند .

۵۲ - فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ . در بہشتها و چشمہ های روان .

۵۳ - يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ . (۱) از جامہ های ابریشمی نازک و از جامہ های کلفت رویاروی یکدیگر می پوشند .

۵۴ - كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ . آن چنان است که ما آنها را زنان چشم درشت (که دلخواه عربها بود) به همسری می دهیم .

۵۵ - يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ . در آن بہشت، آنها را می خوانند بہ ہرگونہ میوہ ای، بی ترس و نگرانی .

۵۶ - لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَّاهُمْ عَذَابَ النَّجِيمِ . در بہشت جز همان مرگ اول (در دنیا) دیگر آنها را مرگی نیست و آنها از عذاب دوزخ در امانند .

۵۷ - فَضَلًا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ . این است نیکوئی از خداوند، این است پیروزی بزرگوار؛

۵۸ - فَأَنَّمَا يُسَّرُّوهُ بِلِسَانِكَ لَعَنَهُمْ يَتَذَكَّرُونَ . ما این سخن خویش بہ زبان تو (ای محمد) آسان کردیم تا مگر آنها (کافران) پند گیرند

۵۹ - فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ . پس تو منتظر یاری خدا باش و آنها هم منتظر عذاب

تفسیر ادبی و عرفانی

۳۲ - وَلَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَمِي الْعَالَمِينَ . ہر چند نزول این آیت در مورد مؤمنان بنی اسرائیل است . اما از روی فہم بر طریق اشارت ، تشریف فرزند آدم است و برتری ایشان بر ہمہ آفریدگان، میگوید : ما بہ دانش پاک ، آدمیان را برگزیدیم و بہ دانش تمام دانستیم کہ آنان از ہمہ آفریدگان، بیشتر سزاوار برگزیدنند کہ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ . آنها را کہ برگزیدیم ، بہ علم پاک و دانش تمام دانستم کہ ہمہ آنها سزاوار برگزیدن هستند ، آنرا کہ خواهیم گزینیم و نوازیم و آنرا کہ خواهیم برانیم و بسوزانیم!

آن روز کہ دائرہ تکوین بر آدمی قلم خلقت کشید خداوند خطاب کرد کہ من کسی را می آفرینم کہ ہرگز چنین نیافریدہ ام ، نہ آنکہ در قدرتم مجال است بلکہ غیرت ، عذاب قدرتم را فرو گرفت : کہ أَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقُّ بِهَا وَأَهْلُهَا . کہ آنان ملازم تقوی شدند و از ہر مخلوقی بہ آن کلمہ سزاوارترند .

ای جوان مرد ، در قدرت خداوند ، خریدن صدها ہزار چون ما در آئی روا است ، اما از روی محبت و غیرت نہ روا است ، زیرا کہ سیر محبت بی کیفیت ، مخصوص ما است ! کدام خلعت ما را نداد ؟ کدام تشریف کہ بما ارزانی نداشت ؟ کدام لطف کہ در جریدہ کرم بنام ما ثبت نکرد ؟ کہ فرمود : يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَ اللَّهَ . از این لطف و تشریف و خلعت کہ خداوند بہ آدمی ارزانی فرمود ، مقربان در گاہ عزت و ساکنان حضرت جبروت انگشت تحیر در دہان تعجب گرفتند کہ شگرف کاری و عجب حالی کہ خاکیان را بر آمد اینان

۱- دو کلمہ سندس و استبرق (ستبرك) ہردو فارسی است کہ امروز در جنوب ایران بکار می برند .

نواختگان لطف اویند | برکشیدگان عطف اویند | عارفان به تعریف اویند، مشرّفان به تشریف اویند | انازان به وصال اویند |

لطیفه: ایشان زرگس باغ جودند، سرو بوستان وجودند، صدف مروارید حکمتند، نور صدقه عالم قدرند. خالق بی نظیر یکی، و مخلوق بی نظیر، ایشانند | احسن خالقین یکی است و احسن مخلوقین، ایشانند. عالم و آدم نبود، عرش و لوح و قلم نبود، بهشت و دوزخ نبود، که آدمی را بی آنکه باشند، حدیث محبت بود | حسن پسر سهل وزیر مأمون عباسی، روزی یکی بر او درآمد، حسن او را نمی شناخت | گفت: تو کیستی؟ گفت: من آن کسم که چند سال پیش به من احسان کردی، حسن گفت: آفرین به تو، که به احسان ما به ما وسیلت جستی. پس آنگاه بفرمود تا به او صله ای دادند و بنواختند. آری همین است حال درویشان و مؤمنان که به حق وسیلت می جویند، هم به احسان قدیم او را می جویند.

پیر طریقت گفت: الاهی به عنایت ازلی تخم هدایت کاشتی، به رسالت پیمبران آب دادی، و به یاری و توفیق رویانیدی و به نظر و احسان خود به بر آوردی از لطف تو می خواهم که زهرهای خشم از آن باز داری، و نسیم داد بر او بجهانی، و کاشته عنایت ازلی را به رعایت ابدی مدد کنی.

۳۳- وَ آتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ، آیه. آدمی گهی خسته تیر بلا است، و گاهی غرقه لطف و عطا الحق تعالی از او در وقت نعمت و راحت تقاضای شکر می کند و در حال بلا و شدت تقاضای صبر دارد | مصطفی (ص) گروهی از انصار را دید گفت: شما مؤمنانید؟ گفتند: بلی مؤمنانیم، گفت: نشان ایمان شما چیست؟ گفتند بر نعمت شکر کنیم و در غضب صبر کنیم و به قضای خداوند راضی شویم | فرمود: قسم به پروردگار کعبه که شما مؤمنانید.

۳۷- أَهْمُ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبِعَ آيَهُ. آیه. ای صناید قریش، ای رؤسای کفر، که پیمبر را دروغ زن می گیرید و به عداوت وی برخاسته اید و دین اسلام را بازی می شمارید و از قهر و خشم ما ایمن نشسته اید | خبر ندارید که ما با کافران پیشین و دشمنان دین که سروران کفر و ضلالت بودند چه کردیم؟ و چگونه به سطوت خویش دمار از روزگارشان بر آوردیم؟

آنکه نمرود لعین بود که جهان از کفر و کبر خویش پر کرده بود. پشه ضعیفی را فرستادیم تا سزای وی در کنارش نهاد | آن دیگری که فرعون طاغی بود و دعوی خدائی کرد، پاره ای چوب (۱) فرستادیم تا قدرت خود را به او نمود | و دربارا فرمان دادیم تا دمار از روزگار او در آورد | آن دیگر که اصحاب فیل (ابراهیم) بود که قصد خرابی خانه ما را کرد و بر ساز و عِدَّت و آلت خویش اعتماد داشت، مرغکی ضعیف (ابابیل) فرستادیم تا آنرا هلاک کرد. بنابراین، قوم تبع و نوح و لوط و عاد و ثمود و مانند ایشان که از شما بسیار نیرومندتر بودند، و از شما باسازتر و جهاندارتر بودند، چون بر ما عیضیان و کُفَران آوردند و تَمَرَد نمودند، بنگر که چگونه ایشانرا به قهر و خشم خود از جهان بر انداختیم و نام و نشانانرا محو کردیم، شما نیز اگر همان کنید که آنان کردند، همان بینید که آنان دیدند | امروز عذاب و پریشانی و فردا دوزخ و نابسامانی |

۱- اشاره به حصای موسی است که بصورت اژدها جلوه گر شد و جادوگران مصری را مغلوب کرد.

سوره - ۴۵ - جاثیه - ۳۷ - آیه - مکی - جزو ۲۵

تفسیر لفظی

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان .
- ۱- حَمِّمٌ . حامیم . ۲- تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ . سوگند باین سوره که این قرآن فرو فرستاده از خدای توانا و دانا است .
- ۳- إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ . همانا در آسمانها و زمین نشانها برای گروندگان است .
- ۴- وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ . (هم چنین) در آفرینش شما و آنچه خداوند از جنیدهها در جهان می پراکند ، همه نشانها است برای گروهی که یقین دارند .
- ۵- وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ . (هم چنین) اختلاف شب و روز (در بلندی و کوتاهی و تاریکی و روشنی) و آنچه خداوند از آسمان از باران که روزی خلق است فرو فرستاده تا زمین مرده را زنده گردانید ، و وزیدن بادها همه نشانها است گروهی را که خیرد دارند و دریابند .
- ۶- تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ . (ای محمد) آنها همه نشانهای خداوند است که بر تو بر راستی می خوانیم ، پس به کدام سخن خدا و نشانهای او ، ایمان می آورند ؟
- ۷- وَيَلِّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ . وای بر هر دروغ زن بزه کار .
- ۸- يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُنْزِلُ عَلَيْهِنَّ ثُمَّ بُصِرُمْ مُسْتَكْبِرِينَ أَكَّانَ لَمْ يَسْمَعَهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ . سخنان خدای را می شنود و بر او می خوانند . آنگاه اصرار (می ستهد) به گردن کشی دارد ، گوئی هرگز آنرا نشنیده ا پس او را به عذاب دردناک بشارت ده .
- ۹- وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُوْلَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ . و چون از سخنان ما چیزی (بشنود) و بداند آنرا به مسخره (افسوس) گیرد ، اینانند که عذاب خوار کننده دارند ا
- ۱۰- مِنَ قُرَائِهِمْ جَهَنَّمَ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ . از پس (یا پیش) ایشان دوزخ است و آنچه در دنیا می ساختند و می کردند ، آنانرا بکار ناید ، و نه آنچه را که (جز خدای یگانه) دوست (پشت و پناه) می گرفتند . آنان راست عذابی بزرگ .
- ۱۱- هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٍ . این قرآن آنگاه کردنی و پنددادنی است و آنها که به نشانهای پروردگارشان کافر شدند گرفتار عذاب از نوع سخت و دردناک شوندند .
- ۱۲- اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِيَجْزِيَ الْفُلُوكَ فِيهِ بَا مَرِّهِ وَلِيَسْبِغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . خدای یگانه است که دربار امسخر (نرم) شما کرد تا کشتی در آن روان شود و تا از روزی

او و فضل او از دریا بچوئید و بجوئید و تا مگر شکر (آزادی) کنید! (۱)
 ۱۳- وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ . و خداوند آنچه که در آسمانها و آنچه که در زمین است مستخیر (رام) شما کرد، همانا در بخشش او نشانها است برای گروهی که در اندیشند و تفکر کنند .

۱۴- قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ إِلَّا مَالَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ . بگو (ای پیغمبر) به کسانی که ایمان آورده اند آمرزش بخوانند برای آنها که امید به روز جزا ندارند، آمرزش بخوانند تا خداوند پاداش دهد گروهی را به آنچه که می کردند .

۱۵- مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ . هر کس کار نیک کند به سود خودش است و هر کس کار بد کند به زیان خود اوست ، پس از آن همه شما ها را بسوی پروردگارتان خواهند بُرد .

۱۶- وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ . ما فرزندان یعقوب را تورات و دانش در دین و پیغمبری دادیم و از پاکبها و خوشبها به آنها روزی بخشیدیم و آنانرا بر جهانیان روزگار خویش برتری دادیم .

۱۷- وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِمَّن بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ . ما به آنها نشانهای از امر دین و از کار درست پیغمبران (در قرآن) دادیم ، و آنها در آن کار دو گروه نشدند مگر پس از آنکه دانش به آنها آمد و همه می دانستند و بد نیستی و ستم بر خود بود که اختلاف کردند، و خدای یگانه در روز ستاخیز میان آنها در آنچه که با هم اختلاف داشتند داوری خواهد کرد .

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ ، معراج دل پیمبرانست ، نور دل بر گزیده گان است ، شفای سینه بر هیز کارانست ، بِسْمِ اللَّهِ ، کلید ترویج است ، شفای بیماران است ، اصل همه دولتها ، مایه همه سعادتها ، حکم همه عزتها ، تویج مشهور همه تبارها است . بِسْمِ اللَّهِ ، پیک حضرت پیمبرانست و کلید تقرب عارفان و آرامش دل صغیان . بِسْمِ اللَّهِ ، آشنائی را سبب و روشنائی راه مدد است . از جدائی درمان و بی قراری را درمان . بِسْمِ اللَّهِ ، نام خداوند جهان و جهانیان است ، پادشاه بر همه شاهان پیش از هر زمان و پیش از هر نشان . بِسْمِ اللَّهِ ، نام خدائی است که وجودش را بدایت نه ، وجودش را نهایت نیست . یکی و یگانه ، که او را مانندی نیست ، فردی که او را خویش و پیوندی نه ، صمدی پاینده که خیرد را به دریافت او راه نه ، حکیمی که یاد او دلتها را بوستان است ، لطیفی که آنس با وی زندگانی بوستان است ، کریمی که مهر او شادی جاودان است ، شیرین سخن و زیبا صنع و راست بیان است .

۱- در متن تفسیر بزرگ ، همه جا از طرف (سبیدی) ، کلمه استهزا به (افسوس) و کلمه شکر به (آزادی)

وصلت به دم مسیح هریم ندهم
یک دم غم تو به هر دو عالم ندهم !

مهر تو به مهر خاتم ندهم
عشقت به هزار باغ خرم ندهم

۱- حم - جاء دلیل حیات، میم دلیل مودت. گوئی خداوند به حیات خود و به مودت اولیاء خویش سوگند یاد میکند، می گوید: به مهر من و دوستان من، که آنانرا امید دیدار من عزت دوجهان است، هر که را امروز، نامه من انس جان اوست، فردا لقای من توتیای چشم اوست.

۲- تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. آیه. تنزیل او نامه او، و نامه او پیغام او، و پیغام او نشان مهر او بادوستان او است. مؤمنان چون نامه دوست خوانند به بصیرتشان بیفزاید، زنگار غم از دلشان بزاید، نسیم معرفت از جانب قربت در آید، کُل حیات سراز باغ وصلت برکشد، صبح شادی از مطلع آزادی سر برزند. آری، قدر نامه دوست دوستان داند و عزت خطاب دوست را مؤمنان شناسند.

شبهلی، روزی از بازار بغداد بگذشت، پاره کاغذی دید که نام خدای بر او رقم بود و در زیر قدم مردم افتاده! چون حروف نام خدا را بر آن صفت دید، همه اجزاء بدن او حرمت گشت اضطرابی بر اندام وی افتاد، سرفرو کرده آن را برداشت و ببوسید و آنرا معطر و معتبر کرد و قبله دیده خود ساخت و پیوسته با خود داشت که چون بر سینه نهادی، تاریکی غفلت بزوددی و چون بردیده نهادی، نور چشم بیفزودی. همچنان با خود میداشت تا آنروز که قصد زیارت خانه خدا داشت، از بغداد بیرون شد و رو بیادیه نهاد، آن رقه در دست گرفته و آنرا بدرقه روزگار خود ساخته بود. در میان بادیه جوانی را دید وحید و غریب، بی زاد و راحله، بی رفیق و بی قافله، از خاک بستر کرده، و از سنگ بالین ساخته اسرا پرده اندوه و حیرت گرد او زده، سرشک از چشم او روان شده، و دیده در هوا نهاده، آسمان و زمین را درد ماتم او گرفته اشبهلی بر بالین او نشست و آن کاغذ پیش دیده او بداشت و گفت: ای جوان برین عهد هستی؟ جوان روی بگردانید! شبهلی پیش خود گفت: مگر در این سبکرات حال این جوان تبدیل یابد! جوان او را نگریست و گفت: ای شبهلی! (نهارا) زینهار، شگفتا، در غلطی! آنچه در این کاغذ بینی و می خوانی، ما در صفحه دل می بینیم و می خوانیم!

۳- إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ. آیه. در این آیت، کمال قدرت خویش در آفرینش آسمان و زمین به خلق می نماید! و در آفرینش همه جانوران، اظهار لطف خود میکند، خاصه در آفرینش آدمیان! که نعمت خود را به یاد خلق میدهد و در آفرینش آب و باد و باران روزی آنان را بیان می نماید، آنگاه آنها را آیات برای گروهی می داند که در آنها تدبیر و تفکر کنند، تا عاقلان از آیت نخستین قدرت او را بفهمند و از سیاست و سطوت او بترسند و از آیت دوم لطف او را فهم کنند و امیدوار باشند و دل در بگرم او بندند، و از آیت سوم نعمت او را بر خود بشناسند و به شکر آن قیام کنند، که آیت اول مقام ترسندگان است، و آیت دوم مقام امیدواران و آیت سوم مقام سپاس گزاران است که در مقام شکر، کشف و حجاب بسیار افتند و اختلاف شب و روز اشاره به همین کشف و حجاب است که روز نماینده کشف و روشنائی و شب نماینده حجاب و تاریکی است!

بنده خدا در حال کشف، همه منعم ببندانه در نعمت شادی ببند و نه در محنت غم خورد! در مشاهده منعم،

چندان او را شغل افتد که نه با شادی نعمت پردازد و نه با اندوه محنت او بزبان حال گوید :

گر فرق کنم که نیک کردی یا بدی / مشغول به فرق باشم آنکه ، نه بتوا!

و در وقت حجاب ، مشاهده منعم از وی بیوشد و همه التفات و توجه وی با نعمت و محبت باشد
لاجرم ، در نعمت طبل شادی زند ، و در محنت بار اندوه کشد!

پیر طریقت گفت : درد و درمان ، غم و شادی ، فقر و غنا ، این همه صفات سالکان است در منزلهای
راه ، اما مردی که به مقصد رسد ، او را نه مقام است نه منزل از آن وقت نه حال ، نه جان نه دل او بزبان حال گوید :

مکن در جسم و جان منزل ، که این دون است و آن والا

قدم زین هر دو بیرون نه ، نه اینجا باش و نه آنجا .

الاهی ، وقت را به درد می نازم و زیادتی را می سازم ، به امید آنکه چون در این درد بگذازم ، درد و

راحت هر دو بر اندازم !

تفسیر لفظی

۱۸- ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيحَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ .

ما تورا (ای پیغمبر) بر راهی از فرمان ساخته و روانیدیم ، پس بر پی آن میرو ، و بر پی خوش آمد و هوی و
هوس نادان مرو .

۱۹- إِنَّهُمْ لَن يَغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ

وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ . آنان تورا از خدا هیچ به کار نایند و ستم کاران یکدیگر را بر بدی یارند و خداوند یار
نیکو کاران و پرهیز کاران است .

۲۰- هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ . این قرآن ، باز نمودها و دیده ورها

است مردمان را و رهنمونی است برای گروهی که یقین دارند .

۲۱- آمَ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

سَوَاءٌ مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ . آیا آنها که مرتکب بدیها شدند گمان می کنند و می پندارند
که ما ایشانرا مانند کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند یکسان کنیم ! زندگانی و مرگ آنان بر همسانی
است ؟ بد حکم و کیج داوری که می کنند :

۲۲- وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلَيُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ

لَا يُظْلَمُونَ . خداوند آسمانها و زمین به سخن راست و روان آفرید ، تا هر تنی را به آنچه کرده پاداش دهد
و آنها را ستم نکند (کیفر بدی بدی دهند و پاداش نیکی را نیکی) .

۲۳- أَقْرَأْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَ

جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْتَدِ بِهِ مِنْ أَعْيُنِنَا أَعْلَىٰ أَتَدَّ كَرُونًا . (ای هجرت) آیا چه بینی و
چه گوئی ؟ چون آن مرد را دیدی که بر پی هوای نفس خویش رفته و آنرا خدای خود گرفته و خداوند دانست که
باید او را گمراه کرد (بر اثر نفس پرستی) و مهر نشیندن حق بر گوش او و مهر در نیافتن بر دل او نهاد ، و پرده

حق ندیدن بر چشم او افکند ، پس جز خداوند چه کسی او را راه نمائی کند ؟ آیا پند نمی پذیرید ؟
 ۲۴- وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْدِيكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم
 بِبَدَالِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ . کافران گفتند زندگی نیست ، مگر زندگانی این جهانی ! میزیم و میمیریم
 (پدران ما می میرند و ما به دنیا می آئیم) و نمی میراند ما را مگر روزگار (گیتی) او آنان را به آنچه می گویند دانشی
 نیست و نیستند مگر گروهی که گمانی و پنداری می پندارند !

۲۵- وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانُوا يَحْجَتُّهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتُوا بِآيَاتِنَا إِنْ
 كُنْتُمْ صَادِقِينَ . و چون سخنان روشن ما بر آنها خوانده شود ، دلیل و حججت آنها تنها این است که می گویند :
 اگر راست می گوئید پدران ما را از گور باز آرید ! (اگر می گوئید که پس از مرگ زندگانی است) .

۲۶- قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ النُّقُولَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَاللَّكِنَ
 أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ . بگو (ای محمد) خداوند شمارا زنده میکند (به وجود می آورد از نطفه مرده)
 و زنده می دارد در این جهان ، پس از آن شمارا می میراند ، و آنگاه همه شمارا روز رستاخیز فراهم می آورد بدون
 شک ! (در آن روز و در گرد هم آمدن) و لکن بیشتر مردمان نمی دانند .

۲۷- وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُؤْمِنُ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ .
 خداوند راست پادشاهی آسمانها و زمین ، و روزیکه قیامت برپا میشود ، دروغ زنان و کژراهان زیان کارانند .

۲۸- وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةٍ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
 (آن روز) هر گروهی را بینی به زانو در افتاده ! و هر گروهی را به نامه کردار خود بازخوانند (ایشانرا گویند)
 امروز پادشاه آنچه در دنیا کرده اید به شما می دهند .

۲۹- هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ .
 این نامه ما است که در آن کارهای شما نوشته و به حق و راستی بر شما گواهی می دهد ، ما می نوشتیم (نسخه
 می فرمودیم از اصل و از لوح) آن چه را که شما می کردید .

۳۰- فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ
 الثَّوْرُ الْمُبِينُ . اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند ، پروردگار ایشان آنها را در بخشایش خود
 در آورد و این است پیروزی بزرگ .

۳۱- وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِنَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا
 مُجْرِمِينَ . و اما آنان که کافر شدند (به آنها گویند) آیا سخنان ما بر شما نمی خواندند ؟ و شما گردن کشیدید و
 گروهی گناه کار بودید !

۳۲- وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ آتِيَةٌ لَأَرَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ
 نَظُنُّ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا نَحْنُ بِمُحْسِنِينَ . و آنگاه که به کافران گفتند : وعده خدا راست است و روز رستاخیز
 بی شک است ، شما گفتید : ما نمی دانیم رستاخیز چیست ؟ و گمان نداریم مگر پنداری ! و ما هیچ یقین نداریم (به
 روز جزا) .

۳۳- وَ بَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَ خَلَقَ بِهَيْمٍ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ . و کارهای بد آنان بر آنها آشکار شد و فراسر به آنها رسید آنچه را که به آن استهزا می کردند .

۳۴- وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِيكُم كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَ مَا وَبِكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ . به آنها گفته میشود که ما امروز شما را فرو می گزاریم (فراموش می کنیم) چنانکه در آن جهان شما این روز را فرو گذاردید (فراموش کردید) و جایگاه شما دوزخ است و شما را یار و یابوری نیست .

۳۵- ذَالِكُمْ بِمَا نَكَّمْتُمْ أَنفُسَكُمُ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا وَ غَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ . آن کیفر بر آن سبب است که شما نشانهای خداوند را مستحضره گرفتید (بافوس گرفتید) و زندگی دنیا شما را بفریفت ، پس امروز شما را از آتش بیرون نکنند و آنها را عذر برگشتن و بخشودگی جستن ندهند .

۳۶- فَلْيَلِّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . پس خدای راست ستایش نیکو ، پروردگار آسمانها و زمین و همه جهانیان است .

۳۷- وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . او راست بزرگواری و بی همتائی و پادشاهی آسمانها و زمین و اوست توانا و راست دانش .

تفسیر ادبی و عرفانی

۱۸- ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا . آیه . (ای محمد) ما تو را به لطافتی منفرد ساختیم پس آن لطیفه‌ها را بشناس ، و راه‌ها برای تو برقرار کردیم ، پس آنها را پیروی کن ، و حقایق بر تو ثابت و برقرار کردیم ، پس از آنها تجاوز مکن .

۱۹- إِنَّهُمْ لَن يَغْنُؤُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا . آیه . چون خداوند اراده بخشایش نعمت به تو کند هیچ کس مانع نتواند شد . و اگر اراده محنت و نقیمت کند ، احدی آنرا رفع و دفع نتواند کرد . پس به ساخته اندیشه خود علاقه مند مباش ، و ضمیر پاک خود را متوجه چیزی جز خدا مکن و اعتماد به او داشته باش و بر او توکل کن .

۲۰- هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ . آیه . ای مهتر عالم ، ای سید فرزندان آدم ، ای خورشید فلک سعادت ، ای ماه آسمان سیادت ، ما تو را از جهانیان باز بریدیم و از پدر و مادر یتیم کردیم ، تا دل خویش از همه فارغ داری و یکبارگی به اطاعت و خدمت ما برداری ، از شرایع تو را به قرآن راه دین ساختیم و از حقایق آن تو را شمع معرفت افروختیم تا به تأیید ما آن راه زوی ، و عالمیان را به آن راه خوانی که راه بصیرت و هدایت است .

ای مهتر پیمبران ، ما شب معراج ، تو را در قبته قربت بنشانیدیم و هزاران نثار لطف بفرقی دولت تو افشانیدیم ، و جهان را خاک پای تو گردانیدیم ، مقصود آن بود که تو را بر بساط شفاعت انبساط دهیم ، تا درد دلمای گناه کاران امت را بر ما برداری (بگویی) و عذر از آن ، بهر آنان بخواهی . (ای محمد) ، اگر تو فردا از ما همه عالمیان را بخواهی ، هنوز خاک قدم خود خواسته باشی . و اگر ما به لطف قدم ، خاک آن قدم را